



انتشارات
نگو

موج؟ ۲۰

مرحله‌ای
و جامع

ویژه آمادگی شرکت در امتحان‌های نهایی و نیم‌سال

عربی دوازدهم

(انسانی)

محسن آهویی، عرفان جالیزی



مرورنامه
شب امتحان

امتحان‌های
نیم‌سال اول و
دوم

امتحان‌های
درس به درس

پاسخ‌های
تشریحی +
کلید تصحیح

امتحان‌های
نهایی اخیر

امتحان‌های
شبیه‌ساز نهایی

پیشگفتار

«تقدیم به پسر عزیزتر از جانم (حمیدرضا) که وجودش مایه افتخارم است.»

محسن آهوئی

«تقدیم به پدر بزرگ و مادر بزرگ ارجمندم که کودکی‌ام در سایه‌سار الطافشان سپری شد. یادگارانی شریف از ریشه‌های استوار درختی که امروز ایستاده است.»
عرفان جالیزی

(دعای جوشن کبیر، فراز ۵۸)

«یا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ»

احتمالاً وقتی همه‌مون با دریا مواجه می‌شیم، اولین چیزی که توجه‌مون رو به خودش جلب می‌کنه، موج‌های دریاست که هم صدای گوش‌نوازی داره و هم آرامشی مثال‌زدنی برامون به ارمغان میاره. شاید سؤالی که همیشه برامون پیش اومده این باشه که اصلاً چرا موج دریا انقدر آرامش‌بخشه؟ چرا موج دریا می‌تونه برای لحظات طولانی، آدم رو محو خودش کنه؟ راستش رو بخواین هیچ دلیل (یا به قول شما جَوونا فکت) علمی‌ای نتونستیم براش پیدا کنیم به‌جز: اول اینکه موج به یه پشتوانه عظیم به نام دریا تکیه زده و نمایان‌گر گوشه‌ای از پهناوری دریاست و دوم این ویژگی خاص موج که خیلی تکرار می‌شه، خیلی پشت همه، اصلاً به‌جورایی نمی‌ذاره به آدم احساس خلأ دست بده.

خب؟ این‌همه راجع به «موج» حرف زدیم که بگیم کتاب «موج ۲۰ عربی دوازدهم انسانی» همون دو تا ویژگی رو داره که موج دریا داره؛ یعنی هم به یه پشتوانه محکم تکیه زده و هم انقدر با آزمون‌های مبحثی و نیم‌سال و پایان‌سال و شبه‌نهایی، مطالب رو تکرار می‌کنه که اون آرامش روزهای قبل از امتحان نهایی‌تون رو تضمین می‌کنه.

کتاب «موج ۲۰ عربی دوازدهم انسانی» بر اساس آخرین تغییرات کتبی و کیفی امتحان نهایی نگارش شده؛ از ایجاد تغییرات جدی در ترجمه‌ها تا درک مطلب‌هایی که عین متن کتاب نیستن و اگه ما قبلش، چندین و چند بار این مدل آزمون‌ها رو ندیده باشیم، می‌تونن برامون دردسرهای جدی‌ای ایجاد کنن. به نظر ما، رسالت اصلی این کتاب اینه که کاری کنه شما قبل از امتحان نهایی، چند بار امتحان نهایی بدید، تصحیح کنید، رفع اشکال کنید و سرانجام، با کوله‌باری از آزمون و خطا، تجربه و آگاهی، به امتحان نهایی پا بذارید. در این کتاب تلاش کرده‌ایم تا

۱. آزمون استاندارد درس به درس با استفاده از منتخب سؤالات امتحانات نهایی ادوار گذشته به همراه پاسخ‌نامه کاملاً تشریحی تألیف شود.

۲. آزمون استاندارد نیم‌سال اول و دوم با رویکرد تماماً تألیفی به همراه پاسخ‌نامه تشریحی تدوین شود.

۳. درس‌نامه‌هایی درختی برای مرور نهایی مطالب و نکات کتاب درسی.

۴. آزمون استاندارد شبه‌نهایی (کل کتاب) با رویکرد تماماً تألیفی به همراه راهنمای تصحیح تنظیم گردد.

۵. آزمون منتخب امتحانات نهایی سنوات اخیر به همراه کلید اداره کل ارزشیابی آموزش و پرورش گردآوری شود.

در پایان لازم می‌دانیم از همکاران ارزشمندمان در انتشارات الگو، سرکار خانم ستین مختار مدیر واحد ویراستاری و حرف‌چینی، خانم‌ها عاطفه ربیعی و سوده زارعی برای مطالعه و ویراستاری فنی و سرکار خانم سمیه سارانی برای حرف‌چینی و صفحه‌آرایی کتاب، تشکر و قدردانی نماییم. همچنین از سرکار خانم منیژه خسروی که زحمت ویراستاری علمی کتاب را تقبل فرمودند، سپاسگزاری می‌نماییم.

مع‌الوصف، از تمام صاحب‌نظران، اساتید گران‌قدر و دانش‌آموزان تلاش‌گر سراسر کشور خواهم‌شندیم، این اثر را از انتقادات و پیشنهادات سازنده خویش محروم نسازند و ما را در بهبود اثربخشی آن، یاری کنند.

یا علی

دوستان‌انتان: محسن آهوئی - عرفان جالیزی

فهرست مطالب

آزمون‌های درس به درس و نیم‌سال	آزمون‌های شبه‌نهایی و نهایی
آزمون ۱: درس اول (۱) ۲	آزمون ۱۹: کل کتاب (۱) - شبه‌نهایی ۴۸
آزمون ۲: درس اول (۲) ۴	آزمون ۲۰: کل کتاب (۲) - شبه‌نهایی ۵۰
آزمون ۳: درس دوم (۱) ۶	آزمون ۲۱: کل کتاب (۳) - شبه‌نهایی ۵۲
آزمون ۴: درس دوم (۲) ۹	آزمون ۲۲: کل کتاب (۴) - شبه‌نهایی ۵۴
آزمون ۵: درس سوم (۱) ۱۱	آزمون ۲۳: کل کتاب (۵) - شبه‌نهایی ۵۶
آزمون ۶: درس سوم (۲) ۱۴	آزمون ۲۴: کل کتاب (۶) - شبه‌نهایی ۵۸
آزمون ۷: نیم‌سال اول (۱) ۱۶	آزمون ۲۵: کل کتاب (۷) - نهایی خرداد ۱۴۰۲ ۶۰
آزمون ۸: نیم‌سال اول (۲) ۱۸	آزمون ۲۶: کل کتاب (۸) - نهایی شهریور ۱۴۰۲ ۶۲
آزمون ۹: نیم‌سال اول (۳) ۲۰	آزمون ۲۷: کل کتاب (۹) - نهایی دی ۱۴۰۲ ۶۴
آزمون ۱۰: نیم‌سال اول (۴) ۲۳	آزمون ۲۸: کل کتاب (۱۰) - نهایی خرداد ۱۴۰۳ ۶۶
آزمون ۱۱: نیم‌سال اول (۵) ۲۵	آزمون ۲۹: کل کتاب (۱۱) - نهایی مرداد ۱۴۰۳ ۶۸
آزمون ۱۲: نیم‌سال اول (۶) ۲۷	آزمون ۳۰: کل کتاب (۱۲) - نهایی دی ۱۴۰۳ ۷۰
آزمون ۱۳: درس چهارم (۱) ۲۹	پاسخ‌های تشریحی آزمون‌های ۱ تا ۳۰ ۷۴
آزمون ۱۴: درس چهارم (۲) ۳۲	آزمون ۳۱: کل کتاب (۱۳) - نهایی خرداد ۱۴۰۴ ۱۲۱
آزمون ۱۵: درس پنجم (۱) ۳۴	آزمون ۳۲: کل کتاب (۱۴) - نهایی شهریور ۱۴۰۴ ۱۲۳
آزمون ۱۶: درس پنجم (۲) ۳۶	آزمون ۳۳: کل کتاب (۱۵) - نهایی دی ۱۴۰۴ ۱۲۵
آزمون ۱۷: نیم‌سال دوم (۱) ۳۹	آزمون ۳۴: کل کتاب (۱۶) - نهایی تیر ۱۴۰۵ ۱۲۸
آزمون ۱۸: نیم‌سال دوم (۲) ۴۱	پاسخ‌های تشریحی آزمون‌های ۳۱ تا ۳۴ ۱۳۰
مرورنامه ۴۴	

صفحات پاسخ

موضوع آزمون

۱

آزمون

۷۴ تا ۷۶

درس اول (۱)

ردیف	امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ادبیات و علوم انسانی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه
ردیف	سؤالات	نمره		
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ: (الف) خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ طِينَةٍ. (خرداد ۹۸) (ب) يَبْطُوِي الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ فِي الْإِنْسَانِ. (خرداد ۱۴۰۲) (ج) إِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ. (خرداد ۹۹) (د) «كَانَهُمْ يُبَيِّنُ مَرِصُوصٌ»	۱		
۲	أَكْتُبْ: «زَعَمَ حَبِيبِي أَنَّكَ شَابٌّ مُجَدِّدٌ - كَأَنَّ الْمُشْتَرِيَّ مُتَرَدِّدٌ فِي شِرَاءِ الْبِضَاعَةِ. - قَدَّرَ كُلُّ امْرِئٍ مَا كَانَ يُحْسِنُهُ.» (الف) المترادف لكلمة «إنسان»: (ب) المترادف لكلمة «ظَنَّ»: (ج) المتضاد لكلمة «عازم»:	۰/۷۵		
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: (۱) نَقَاد (۲) طَلَاب (۳) تَفَاح (۴) عُمَال	۰/۲۵	(دی خارج ۱۴۰۲)	
۴	(الف) أَكْتُبِ الْمُفْرَدَ لِمَا تَحْتَهُ خَطُّ: «خَوَاتِجُ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ.» (ب) أَكْتُبِ الْجَمْعَ لِمَا تَحْتَهُ خَطُّ: «وَقَعَ نَظَرُ الطَّبِيبِ إِلَى الْعَظْمِ الْمَكْسُورِ.»	۰/۵		
۵	تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) «وَمَا أَبْرَأُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ» (۰/۵) (ب) «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ» (۰/۵) (ج) لَعَلَّكُمْ لَا تَمِيتُونَ قُلُوبَكُمْ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ. (۰/۷۵) (د) لَيْتَ الرَّجُلَ الْكَافِرَ يَذْكُرُ اسْمَ اللَّهِ عَلَى طَعَامِهِ. (۰/۵) (هـ) لَا تَفَخَّرْ بِالنَّسَبِ فَإِنَّ النَّاسَ مِنْ جِهَةِ الْآبَاءِ أَكْثَاءُ. (۰/۷۵) (و) مَنْ لَا يَطْلُبُ بِالْعِلْمِ بَدَلًا فَهُوَ عَاقِلٌ. (۰/۵) (ز) لِنُطْعِمَ الْمَسَاكِينَ وَ الْفُقَرَاءَ مِمَّا نَأْكُلُ. (۰/۵) (ح) لَمْ يَحْسَبِ الْفَاحِشُ بِالنَّسَبِ أَنَّ دَوَاءَ دَاءِهِ يَكُونُ تَفَكُّرًا. (۰/۷۵) (ط) حَاوَلَ مُحَمَّدٌ أَنْ يَقَوِّرَ بَعْلِمَ نَافِعٍ وَ يُخْرِجَ نَفْسَهُ مِنَ الْجَهْلِ. (۰/۷۵) (ي) لَا أَسْبُ الْذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لِكَيْلَا يُسَبِّتُوا اللَّهَ. (۰/۷۵) (ك) سُئِلَ الْمُدِيرُ: أ فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ فَأَجَابَ: لَا، لَا طَالِبَ هُنَا. (۰/۷۵)	۷	(دی خارج ۹۷) (شهریور ۱۴۰۲)	
۶	انتخبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ: (الف) نَصَحَ الرَّجُلَ الْعَالِمُ جَهْلًا لَا يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ. (۱) مرد دانا، نادانی را نصیحت کرد که در کفر شتاب ورزیده بود. (۲) مرد دانا، نادان‌هایی را نصیحت کرد که در کفر شتاب می‌ورزیدند. (ب) قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ صَفًّا وَ لَا تَخَافُوا مِنَ الْأَعْدَاءِ. (۱) صف در صف در راه خدا بجنگید و از دشمنان ترسید. (۲) صف در صف در راه خدا جنگیدند و از دشمنان ترسیدند.	۰/۵		
۷	كَمِّلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (الف) حَضَرَ السَّيَّاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَحْضُرْ. گردشگران در سالن حاضر شدند، ولی حاضر نشد. (ب) كُونُوا فِي صَلَاتِكُمْ خَاشِعِينَ وَ أَحْسِنُوا إِلَى الضُّعَفَاءِ. در نمازتان، فروتن و به ناتوانان	۱	(شهریور ۹۹)	

ردیف	سؤالات	نمره
٨	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ: «كُتِمَ: بُنْهَانُ كَرْدٍ» (الف) صَدِيقِي الْعَزِيزُ لَا تَكْتُمِ الْحَقِيقَةَ. (شهریور ١٤٠١) (ب) إِنَّهُ مَا كَانَ قَدْ كَتَمَ مَا يَعْلَمُ. (شهریور ١٤٠١) (ج) أَوْلَئِكَ كَانُوا يَكْتُمُونَ أَسْرَارَ حَيَاتِهِمْ. «أَفْلَحَ: رَسْتِگَارُ شَدٍ» (د) لَا يُفْلِحُ الرِّجَالُ الْمُخْتَالُونَ. (هـ) لَنْ تُفْلِحَ الْمَرْأَةُ الَّتِي تَظْلُمُ الْآخَرِينَ. (و) قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الْمُخْلِصُونَ.	١/٥
٩	عَيْنِ الْفِعْلِ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِ: (الف) أَصْدِقَانِي أَنَّ الصَّبْرَ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ. (١) يَعْلَمُ (٢) يَعْلَمَانِ (٣) يَعْلَمُونَ (ب) يَا زَمِيلِي عَلَى جِلْدِ الْكِتَابِ. (١) لَا تَكْتُبَنَّ (٢) لَا تَكْتُبِي (٣) لَا تَكْتُبُ	٥/٥
١٠	إِبْحَثْ عَنْ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ فِي الْجُمْلِ: «كَانَ فِي الْمَدْرَسَةِ تَلْمِيزٌ جَانِعٌ. (خَرْدَادُ خَارِجٌ ١٤٠٠) - ذِكْرِيَاتِي مَكْتُوبَةٌ فِي دَفْتَرٍ. - (وَ جَادِلُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ)» (الف) اسم التفضيل (ب) اسم المكان (ج) اسم الفاعل (د) اسم المفعول تَرْجِمْ مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ: (هـ) ذَلِكَ الْعُنْصُرُ مُوَصَّلٌ لِلْحَرَارَةِ وَالْكَهْرَبَاءِ. (و) اشْتَرَيْتُ الْعَصَاةَ الْفَرَنْسِيَّةَ مِنْ هُنَاكَ.	١/٥ (شهریور ١٤٠١)
١١	عَيْنِ مَا فِيهِ حَرْفٌ مِنَ الْحُرُوفِ الْمَشْتَبِهَةِ بِالْفِعْلِ: (١) إِنَّ تَصَرُّوًا عَلَى الْغُدَّانِ تَجِدُوا الْخِلَافَ. (٢) إِنَّهُ سَوْفَ يَكْتُبُ أَفْكَارَهُ عَلَى الْوَرَقَةِ. (٣) قَرَّرَ التَّلَامِيذُ أَنْ يَذْهَبُوا إِلَى الْمَكْتَبَةِ.	٥/٢٥
١٢	عَيْنِ الْبِعَارَةِ الَّتِي فِيهَا لَا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ: (١) هَلْ تَقَعُ الْحَدِيقَةُ الْعَامَّةُ قُرْبَ بَيْتِكَ؟ لَا، هِيَ بَعِيدَةٌ عَنْ بَيْتِي. (٢) عَلَيْكَ أَلَّا تَقْتَرِبَ مِنَ الْأَحْمَقِ الَّذِي يَضُرُّ النَّاسَ بِسُلُوكِهِ. (٣) أَتَكَلَّمُ مَعَ طَالِبٍ لَا رَجَاءَ لَهُ لِلنَّجَاحِ فِي الْامْتِحَانَاتِ.	٥/٢٥
١٣	انْتَخِبِ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ: (الف) يَتَمَنَّى الْعَالِمُ: هَذِهِ الْجَمَاعَةُ يَنْتَبِهُونَ قَبْلَ الْمَوْتِ. (لَكِنَّ - أُنَّ - لَيْتَ) (ب) لَعَلَّ الْجَامِعَةَ يُشَارِكُونَ فِي هَذِهِ الْجُلُوسَةِ. (أَسَاتِذَةٌ - أَسَاتِذَةٌ - أَسَاتِذَةٌ) (ج) لَا بَاحِثٌ لِلْمُسَافَرَةِ إِلَى بِلَادٍ يَمْلِكُ فِيهَا الْأَرَاذِلُ. (مُشْتَقٍّ - مُشْتَقًّا - مُشْتَقٍّ)	٥/٧٥
١٤	عَيْنِ نَوْعِ «لَا» فِي الْعِبَارَاتِ: (الف) لَا شَيْءَ أَجْمَلُ مِنَ الْعَفْوِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ. (ب) يَا زَمِيلَاتِي، لِمَ لَا تَكْتُبِينَ التَّرْجِمَةَ؟ (ج) لَا نَسْكُتُ أَمَامَ الَّذِي يُرِيدُ سَلْبَ حَقِّنَا.	٥/٧٥
١٥	عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ: (الف) كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ. (ب) لَا مُؤْمَنَ كَاذِبٍ عَلَى الْآخَرِينَ.	١
١٦	عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَالْإِعْرَابِ: «لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ.» (الف) يَرْحَمُ: (١) فَعْلٌ مُضَارِعٌ، حُرُوفُهُ الْأَصْلِيَّةُ «ر ح م»، مَعْلُومٌ / فَعْلٌ وَ الْجُمْلَةُ فَعْلِيَّةٌ (٢) فَعْلٌ مُضَارِعٌ، مُفْرَدٌ مَذَكَّرٌ مُخَاطَبٌ، مُتَعَدٍّ / فَعْلٌ وَ مَعَ فَاعِلِهِ جُمْلَةُ فَعْلِيَّةٌ (ب) اللَّهُ: (١) اسْمٌ، مُفْرَدٌ، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ / مَفْعُولٌ وَ مَنْصُوبٌ (٢) اسْمٌ، مَذَكَّرٌ، مُعَرَّفٌ بِالْعِلْمِيَّةِ / فَاعِلٌ وَ مَرْفُوعٌ	٥/٥
١٧	عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (أَبْصَرَ / الْبَيْبَانُ / تَفَاحَرَ / الظَّنُّ / الْبُخْلُ / اللَّحْمُ) (الف) مَادَّةٌ خَمْرَاءُ مِنْ جِسْمِ الْحَيَوَانِ تُصَنِّعُ مِنْهُ الْأَطْعِمَةُ. (ب) خَصْلَةٌ لَا تُشَاهَدُ فِي الْمُؤْمَنِ. (ج) نَظَرٌ إِلَى شَيْءٍ بِعَيْنِهِ وَ شَاهِدَةٌ. (د) مَكَانٌ مُنَاسِبٌ لِلْسُكُونَةِ.	١

ردیف	سؤالات	نمره
۱۸	إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: «يَوْمَ الْبَعْثِ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَجْتَمِعُ فِيهِ جَمِيعُ الْبَشَرِ وَفَقاً لِتَعَالِيمِ الْإِسْلَامِ أَمَامَ اللَّهِ لِيُحَاسَبَ أَعْمَالُهُمُ الَّتِي قَامُوا بِهَا فِي الدُّنْيَا. قَبْلَ هَذَا الْيَوْمِ تَحْدُثُ أَحْدَاثٌ (وَقَائِعٌ) عَجِيبَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فِي السَّمَاءِ. يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ وَالْأَحَادِيثُ أَنَّ وَقْتَ الْقِيَامَةِ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ.» (الف) مَنْ يَعْلَمُ وَقْتَ الْقِيَامَةِ؟ (ب) لِمَاذَا يَجْتَمِعُ النَّاسُ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ؟ (ج) مَتَى تَحْدُثُ حَادِثَاتٌ عَجِيبَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فِي السَّمَاءِ؟ (د) عَيْنِ الصَّحِيحِ حَوْلَ يَوْمِ الْبَعْثِ: (۱) يَقْدَرُ الْإِنْسَانُ أَلَّا يَحْضُرَ ذَلِكَ الْيَوْمَ أَمَامَ رَبِّهِ. (۲) يَحْضُرُ الْإِنْسَانُ ذَلِكَ الْيَوْمَ أَمَامَ رَبِّهِ وَ تُحَاسَبُ أَعْمَالُهُ.	۱
	موفق باشید.	۲۰

صفحات پاسخ

موضوع آزمون

۲

آزمون

۷۶ تا ۷۹

درس اول (۲)

امتحان نهایی: عربی ۳		رشته: ادبیات و علوم انسانی		تألیفی		مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	
ردیف	سؤالات						نمره
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (الف) كَأَنَّكَ مُتَرَدِّدٌ فِي اخْتِيَابِ الْمِهْنَةِ. (ج) النَّاسُ مِنْ جِهَةِ الْأَبَاءِ أَكْفَاءٌ . (ب) نَجَحَ زُمْلَانِي فِي الْامْتِحَانِ بِسَوِي زَمِيلٍ. (د) اِشْتَرَيْتُ الْخِيَطَ الْأَبْيَضَ مِنْ هُنَاكَ.						(دی ۱۴۰۰)
۲	اُكْتُبْ: «أَبْصَرَ مُحَمَّدٌ مَنَاطِرَ جَمِيلَةٍ. - الَّذِينَ لَا يَهْتَمُّونَ بِالْعِلْمِ مَوْتَى. - يُحَاوِلُ الطَّبِيبُ لِمُعَالَجَةِ الدَّاءِ الْعَجِيبِ.» (الف) المُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «الْمَرَضُ»: (ب) المُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «شَاهَدَ»: (ج) المُتَضَادُّ لِكَلِمَةِ «أَحْيَاءُ»:						۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: (۱) الْفِضَّةُ (۲) الطَّيْنَةُ (۳) الذَّهَبُ (۴) النَّحَاسُ (دی ۱۴۰۰)						۰/۲۵
۴	(الف) اُكْتُبِ الْمُفْرَدَ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ: «كُونُوا نَقَادَ الْكَلَامِ.» (ب) اُكْتُبِ الْجَمْعَ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ: «تُصْنَعُ الْأَطْعَمَةُ اللَّذِيذَةُ مِنَ اللَّحْمِ.» (خرداد خارج ۱۴۰۰)						۰/۵
۵	تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) «قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۰/۵) (ب) لَا سَوْءَ أَسْوَءُ مِنَ الْكُذْبِ. (۰/۵) (ج) نَصِصْنَا بِأَخْذِ الْحَقِّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَ إِطْعَامِ الْمَسَاكِينِ مِمَّا نَأْكُلُ. (۰/۷۵) (د) لَعَلَّ الْعُمَالُ يَقُومُونَ بِنَاءِ بُيَاقٍ مَرْصُوصٍ. (۰/۵) (هـ) لَا تُجَالِسِ الْجَاهِلَ الَّذِي يُبْرِئُ نَفْسَهُ وَ يَأْمُرُ النَّاسَ بِالسَّوْءِ. (۰/۷۵) (و) نَعْرِفُ عُنْصَرًا فَلَزِيًّا يَكُونُ مُوَصَّلًا لِلْحَرَارَةِ وَ الْكَهْرِبَاءِ. (۰/۵) (ز) لَبِثَ النَّاسُ يَفْتَحِرُونَ بِحَيَاءٍ وَ عِفَافٍ وَ أَدَبٍ. (۰/۵) (ح) قَدْ يَسِبُّ رَجُلٌ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ. يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْ أَحَبَّةِ الْوَدَكِ. (۰/۷۵) (ط) يَقُورُ النَّاسُ بِعِلْمٍ وَ عَلَيْهِمْ أَنْ لَا يَطْلُبُوا بِهِ بَدَلًا. (۰/۷۵) (ی) يَزْعُمُ مُحَمَّدٌ أَنَّ فَصْلَ السَّنَةِ الْأَوَّلَ طَوِيلٌ فِي بَلَدِهِ وَ يَظُنُّ أَنَّ الصَّيْفَ قَصِيرٌ هُنَاكَ. (۰/۷۵) (ك) لِيَحْتَرَمَ كُلُّ شَابٍّ مُسْلِمٍ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ صَفًّا. (۰/۷۵) (خرداد ۱۴۰۲) (شهریور ۱۴۰۲)						۷

ردیف	سؤالات	نمره
۱۷	إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: «لِبَعْضِ الْأَوْلَادِ أَخٌ أَوْ أُخْتُ مِنَ الرِّضَاعَةِ لَيْسُوا مِنْ أُمِّ وَاحِدَةٍ. هَؤُلَاءِ الْإِخْوَانُ وَالْأَخَوَاتُ يَلْعَبُونَ مَعًا فِي صِغَرِ سِنِهِمْ، وَهُمْ كَالْأَصْدِقَاءِ. وَعِنْدَمَا يُوَاجِهُونَ مُشْكِلَةً يَتَعَاوَنُونَ عَلَى حَلِّهَا. هَذِهِ الْمُسَاعَدَةُ تُسَبِّبُ تَعَزُّزَ الْعِلَاقَاتِ (تَحْكِيمَ رَوَابِطٍ) بَيْنَهُمْ.» (الف) ماذا يَفْعَلُ الْوَلَدُ عِنْدَ مُوَاجَهَةِ مُشْكِلَةٍ؟ (ب) متى يَلْعَبُ الْوَلَدُ مَعًا؟ (ج) ما هي نَتِيجَةُ مُسَاعَدَةِ الْوَلَدِ؟ (د) عَيِّنِ الصَّحِيحَ حَسَبَ النَّصِّ: (۱) لِعَبِّ الْوَلَدِ لَيْسَ لَهُ دَوْرٌ فِي الصَّدَاقَةِ بَيْنَهُمْ. (۲) الْوَلَدُ مِنَ الرِّضَاعَةِ لَيْسُوا مِنْ أُمِّ وَاحِدَةٍ.	۱ (خرداد ۱۴۰۳)
۲۰	موفق باشید.	

صفحات پاسخ

موضوع آزمون

۷

آزمون

۹۱ تا ۹۳

نیمسال اول (۱)

امتحان نهایی: عربی ۳		رشته: ادبیات و علوم انسانی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه
ردیف	سؤالات			نمره
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (الف) فَيْكَ إِنطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ. (ج) أَتَيْهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ. (ب) عَمِلَ الْفَرْدُ عَلَى تَطْوِيرِهَا مُجَدِّدًا. (د) الْعَصَبُ خَيْطٌ أَيْضٌ فِي الْجِسْمِ.			۱
۲	أَكْتُبْ: «عِنْدَ عَوْدَةِ الْوَدَىِّ مِنَ الدَّائِرَةِ شَعَرْتُ بِدَاءِ شَدِيدٍ فِي رَأْسِي. - لدولة الصين سورٌ مُرتَفَعٌ.» (الف) الْمُتَنَادِّ لِكَلِمَةِ «الصَّحَّة»: (ب) الْمُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «الجدار»: (ج) الْمُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «رُجُوع»:			۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: (۱) الْجَوُزُ (۲) الشَّيْخُ (۳) الْعَجُوزُ (۴) الْيَافِعُ			۰/۲۵
۴	(الف) أَكْتُبِ الْجَمْعَ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ: «لَا تُمَيِّتُوا الْقُلُوبَ بِكَثْرَةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ.» (ب) أَكْتُبِ الْمُفْرَدَ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ: «هَذِهِ التَّلَالُ فِي قَرِينَتَا.»			۰/۵
۵	تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ﴾ (۰/۵) (ب) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ (۰/۵) (ج) ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...﴾ (۰/۷۵) (د) قَدْ يَغْرِسُ الْمَزَارِعُونَ فُسَائِلَ جَدِيدَةً وَهُمْ يَعْلَمُونَ أَنَّهَا لَا تُثْمَرُ إِلَّا بَعْدَ مَوْتِهِمْ. (۰/۷۵) (هـ) تَمُرُ سَنَوَاتٌ مِنْ وَفَاةِ أُمِّي وَلَكِنِّي لَنْ أَنْسِيَ تَقْبِيلَ أُمِّي. (۰/۷۵) (و) لَا شَيْءَ أَحْسَنُ مِنَ الْعَفْوِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ. (۰/۵) (ز) سَهَّلَ الْإِنْسَانُ أَعْمَالَهُ الصَّعْبَةَ فِي حَفْرِ الْأَنْفَاقِ وَ شَقِّ الْقَنَوَاتِ. (۰/۵) (ح) فِي غَزْوَةِ حُنَيْنٍ وَقَعَتِ الشَّيْمَاءُ أُسْبِرَةً بِيَدِ الْمُسْلِمِينَ. (۰/۵) (ط) تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ. هَلْ سِوَى عَظِيمٍ وَ لَحْمٍ وَ عَصَبٍ؟ (۰/۷۵) (ي) يَا رَبِّ! أَبْقِ لَنَا مُحَمِّدًا حَتَّى أَرَاهُ يَافِعًا وَ أَمْرَدًا. (۰/۷۵) (ك) الْحَوْتُ يُضَادُّ لِإِسْتِخْرَاجِ الرَّيِّتِ مِنْ كَبِدِهِ لِصِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ. (۰/۷۵)			۷

ردیف	سؤالات	نمره
۶	إِنْتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجِمَةِ: الف) كَانَ والدُ ألفرد قد أَقَامَ مَصْنَعًا لِصِنَاعَةِ هَذِهِ الْمَادَّةِ. ب) إِنْجَارُ الْمُخْتَبَرِ لَمْ يُضْعَفْ فِي مُوَاصِلَةِ عَمَلِهِ. ۱) پدر آلفرد کارگاهی برای ساخت این ماده برپا کرده بود. ۲) پدر آلفرد مؤسس کارخانه‌ای برای ساخت این ماده بود. ۱) او از منفجرشدن آزمایشگاه در رسیدن به کارش ضعیف نشد. ۲) انفجار آزمایشگاه او را در ادامه کارش ضعیف نکرد.	۵/۰
۷	كَمِّلِ الْفَرَائِغَ فِي التَّرْجِمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: الف) شَاهَدْتُ الْفَلَاحِينَ وَ هُمْ يَجْمَعُونَ الْمَحَاصِيلَ. ب) إِنْ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لِأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فِمْ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا. کشاورزان را دیدم محصولات را بی‌گمان، دنیای شما نزد من از برگی در دهان ملخی است که آن را	۱
۸	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ: «عَمِلَ: کار کرد» الف) لِيَعْمَلَ هَؤُلَاءِ الْعَمَالُ بِدِقَّةٍ. ب) التَّلَامِيذُ لَمْ يَعْمَلُوا بِوَجَائِبَتِهِمْ. ج) أَنَا لَا أَعْمَلُ فِي الْمَعْمَلِ. د) لَا تَمْتَنِعْ عَنِ الْأَكْلِ وَالشُّرْبِ. هـ) النَّاسُ كَانُوا يَمْتَنِعُونَ عَنِ الْعَمَلِ. و) لَنْ تَمْتَنِيَ عَنِ تَكْرِيمِ الْمُعَلِّمَةِ. ز) قَدْ أَتَذَكَّرُ ذِكْرِيَاتِي. «امتنع: خودداری کرد» «تذكر: به یاد آورد» «تذكرت: یادآوری کرد»	۲
۹	عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ فِي مَا يَلِي: الف) رَأَيْنَا قَاسِمًا وَ هُوَ جَالِسٌ بَيْنَ الشَّجَرَتَيْنِ عِنْدَ أَصْدِقَائِهِ الْأَوْفِيَاءِ. ب) كَانَ النَّبِيُّ (ص) شَدِيدَ التَّعَلُّقِ بِهَا فِي الطُّفُولَةِ. ج) جِزَامُ الْأَمَانِ شَرِيطٌ يَسْتَعْمِلُهُ رُكَّابُ الطَّائِرَاتِ وَالسَّيَّارَاتِ. د) يَأْكُلُ مِنْ ثِمَارِ هَذِهِ الْأَشْجَارِ الْآخَرُونَ.	۲
۱۰	عَيِّنِ إِسْمَ الْفَاعِلِ وَ إِسْمَ الْمَفْعُولِ وَ إِسْمَ الْمُبَالَغَةِ وَ إِسْمَ الْمَكَانِ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «النَّاسُ مُشْغُولُونَ بِالْتِّجَارَةِ. - «إِنَّ النَّفْسَ لِأَمَارَةٍ بِالسَّوْءِ» - يَبْقَى الْمُحْسِنُ حَيًّا وَ إِنْ نُقِلَ إِلَى مَنَازِلِ الْأَمْوَاتِ.»	۱
۱۱	الف) عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا «لَا» النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ: ب) عَيِّنِ الْحَرْفَ الْمُشْتَبِهَ بِالْفِعْلِ فِي الْعِبَارَةِ: «إِبْحَثْ عَنْ مَعْنَى «الْعَصَاةِ» فِي الْمُعْجَمِ؛ لَعَلَّ الْكَلِمَةَ مَكْتُوبَةٌ فِيهِ» «حَرْفٌ مُشْتَبِهٌ بِالْفِعْلِ: ۱) لَا تَكْتَبْ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِ. ۲) لَا تَكْتَبْ عَلَى الْآخَرِينَ. ۳) لَا تَكْتَبْ عَلَى النَّاسِ.	۵/۰
۱۲	كَمِّلِ الْفَرَغَ بِالْكَلِمَةِ الْمُنَاسِبَةِ: الف) وَصَلَتِ التَّلْمِيذَاتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ (مُتَأَخِّرَاتٌ - مُتَأَخِّرِينَ - مُتَأَخَّرَتَيْنِ) ب) الْمُتَفَرِّجُونَ فِي مَكَانِهِمْ غَدًا. (لَمْ يَجْلِسُوا - لَا تَجْلِسُوا - لَنْ يَجْلِسُوا) ج) الْأَصْدِقَاءُ أُمْسَ. (يَتَكَاثَبُ - تَكَاثَبَ - تَكَاثَبُوا) د) جَاءَ الْمَعْلَمُونَ إِلَى قَاعَةِ الْامْتِحَانِ، أَكْثَرَ الطُّلَّابِ كَانُوا غَائِبِينَ. (إِنَّ - لَيْتَ - لَكَنَّ)	۱
۱۳	صَّغْ فِي الْفَرَغِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (أَطْعَمَهُ / الْقَنَاةَ / التَّلَّ / الْمُخْتَبِرَ / الْمَصْنَعِ / التَّقْنِيَّةَ) الف) مِنْطَقَةً مُرْتَفِعَةً فَوْقَ سَطْحِ الْأَرْضِ، أَصْغَرَ مِنَ الْجَبَلِ. ب) مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْأَخْتِرَاعَاتِ الْعِلْمِيَّةِ وَالْإِبْتِكَارَاتِ الْحَدِيثَةِ. ج) قَامَ الْفَرْدُ بِإِنْشَاءِ عَشْرَاتٍ فِي عَشْرِينَ دَوْلَةً. د) تُصْنَعُ مِنْ مَادَّةٍ حَمْرَاءَ مِنْ جِسْمِ بَعْضِ الْحَيَوَانَاتِ.	۱

ردیف	سؤالات	نمره
١٤	إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ: «قام العلماء بمحاولاتٍ كثيرةٍ على مرِّ السنين من أجلِ تقدِّمِ العلومِ، و على رَغمِ المشاكلِ الصَّغيرةِ و الكبيرة بعضهم إستطاعوا أن يخدموا البشرية في المجالاتِ المختلفةِ. فقد سَهَّلُوا أعمالَ النَّاسِ الصَّعْبَةَ. كان أحد هؤلاء العلماء ألفرد نوبل. <u>إِنْفَجَرَ</u> مُخْتَبَرُهُ وَ قُتِلَ أَخُوهُ الْأَصْغَرُ، لَكِنَّهُ وَاصَلَ عَمَلَهُ وَ قَدَّمَ خِدْمَةً كَبِيرَةً لِلْإِنْسَانِيَةِ.» أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: الف) ما هي نتيجة محاولات العلماء في العالم؟ ب) مَنْ قُتِلَ فِي الْمُخْتَبَرِ؟ عَيِّنِ الصَّحِيحَ أَوْ الْخَطَأَ: ج) أخو نوبل خَرَّبَ الْمُخْتَبَرَ. د) إِنَّ كُلَّ الْعُلَمَاءِ قَدْ أَفَادُوا الْإِنْسَانَ. عَيِّنِ التحليل الصرفي و المحل الاعرابي لما تحته خط: هـ) <u>إِنْفَجَرَ</u>: ١) فعلٌ ماضٍ، مفرد مذكر غائب، لازم، مبني / فعل و فاعله «مُخْتَبَر» و الجملة فعلية ٢) فعلٌ ماضٍ، مزيد ثلاثي من باب انفعال، متعدِّ / فعل و فاعله ضمير مستتر «هو» و) <u>الْأَصْغَرُ</u>: ١) اسم، مفرد مذكر، اسم تفضيل / صفة ٢) اسم، معرفة، مبني / مضاف إليه	١/٥
٢٠	موفق باشيد.	

صفحات پاسخ

موضوع آزمون

٨

آزمون

٩٣

نیم سال اول (٢)

ردیف	سؤالات	تألفی	رشته: ادبیات و علوم انسانی	امتحان نهایی: عربی ٣	مدت امتحان: ٨٠ دقیقه
١	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: الف) فَيْكَ أَنْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ. ج) شَعَرَ نوبل بِخَيِّبَةِ الْأَمَلِ مِنْ هَذَا الْعُنْوَانِ.	ب) عمل على تطويرها مجدًا. د) يَوْمَ الْبَعَثِ يَوْمُ الْحَسْرَةِ لِلْكَفَّارِ.			١
٢	عَيِّنِ الْمُتَضَادَّ وَ الْمُتَرَادِفَ فِي النَّصِّ التَّالِي: «والدي المزارع ساعد الفلاح الآخر الذي طلب منه النصير. - نحنُ مُعْجَبُونَ بهذه السمكة و أولادنا مُشْتَاقُونَ إِلَى تَغْذِيَّتِهَا. - نَسِيَ أَحَبَّتِي ذِكْرِيَّاتِ الْحَجِّ لَكِنْ أَخِي تَذَكَّرَهَا.» الف) = ب) = ج) ≠				٥/٧٥
٣	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: ١) الشَّيْخُ ٢) الْجَوْزُ ٣) الْبَافِعُ ٤) الْعَجُوزُ				٥/٢٥
٤	اُكْتُبِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ: الف) جَمَعَ كَلِمَةَ «النَّحْوُ»: ب) مُفْرَدَ كَلِمَةِ «السِّيَاحُ»:				٥/٥
٥	إِنْتَخِبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ: الف) مَفْسُودَةٌ يَتَبَعَدُ الْمُؤْمِنُ عَنْهَا: ب) أَصْغَرُ مِنَ الْجَبَلِ فَوْقَ سَطْحِ الْأَرْضِ: ١) الْإِحْسَانُ ٢) اللَّحْمُ ٣) الْقَضْبُ ٤) الْإِحْسَانُ ١) الطَّن ٢) الْقَل ٣) الْقَنَاة ٣) الْقَنَاة				٥/٥

ردیف	امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ادبیات و علوم انسانی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه
ردیف	سؤالات	نمره		
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ: (الف) طَلَبْتُ مِنَ اللَّهِ إِثَارَةً قَلْبِي. (ب) يَرْخُصُ سِعْرُ تِلْكَ الْفَاكِهِةِ فِي نَهَائَةِ الصَّيْفِ. (ج) قَرَأْتُ مَطَالِبَ عَنِ الْأَمْطَارِ الْحَمْضِيَّةِ. (د) لِمَاذَا كَثُرَ عَدَدُ فُئْرَانِ الْحَقْلِ؟	۱		
۲	اُكْتُبْ: «بَعْدَ سِنِينَ شَاهَدَ الْمُزَارِعُ أَنَّ الْخَضِرَاوَاتِ بِالْمَزْرَعَةِ تَتَعَرَّضُ لِلْأَكْلِ وَ التَّلَفِ. - أَعْطَى خَبِيرٌ كِتَابًا نَافِعًا لِي.» (الف) الْمُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «أَعْوَامُ»: (ب) الْمُتَرَادِفُ لِكَلِمَةِ «الْفَلَّاحُ»: (ج) الْمُتَضَادُّ لِكَلِمَةِ «أَخَذَ»:	۰/۷۵		
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: (۱) الإِخْوَةُ (۲) الْأُمَهَاتُ (۳) الْأَجْدَادُ (۴) الْأَبَارُ (۵) الْأَخَوَاتُ	۰/۲۵		
۴	(الف) اُكْتُبِ الْمُفْرَدَ لِمَا تَحْتَهُ خَطُّ: «شَكَّرْنَا طَبَاخِي تِلْكَ الْأَطْعِمَةَ اللَّذِيذَةَ.» (ب) اُكْتُبِ الْجَمْعَ لِمَا تَحْتَهُ خَطُّ: «نَظَرْتُ إِلَى تِمْنَالٍ شَهِيدٍ مَعْرُوفٍ.»	۰/۵		
۵	تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا» (۰/۵) (ب) «لَا يَنَاسُ مِنْ زَوْجِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (۰/۵) (ج) اجْعَلِ الْيَوْمَ سَعِيدًا وَ كَثِيرَ الْبَرَكَاتِ. (۰/۵) (د) لَعَلَّ كُلَّ التَّلَامِيذِ يَحْضُرُونَ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانَاتِ. (۰/۵) (هـ) يَتَّبِعُ الْحَيَوَانَ الْمُفْتَرَسُ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ. (۰/۵) (و) مَنْ اقْتَدَى بِإِمَامِهِ حَاوَلَ إِِرْضَاءَهُ. (۰/۵) (ز) قَدْ أَضْعَفُ عَنْ كَيْمَانٍ أَسْرَارِي. (۰/۵) (ح) كَانَ هَؤُلَاءِ الْفَتِيَّةُ يَتَصَحَّوْنَ النَّاسَ بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَاقٍ. (۰/۷۵) (ط) اِعْلَمْ بِأَنَّ لِلطَّبِيعَةِ نِظَامًا يَحْكُمُ جَمِيعَ الْمَوْجُودَاتِ. (۰/۵) (ی) نَبْتَعُدُ عَنْ نَشَاطَاتٍ تُهْدِدُ نِظَامَ الطَّبِيعَةِ. (۰/۵) (ك) لَا أُرِيدُ أَنْ أَظْلِمَ كَمَا لَا أُرِيدُ أَنْ أَظْلَمَ. (۰/۷۵) (ل) الْحَيَاةُ مُسْتَوْرَةٌ سَوَاءً ضَحِكْتَ أَمْ بَكَيتَ. (۰/۵) (م) لَا يَقْتُلُ صَاحِبُ الْمَزْرَعَةِ الْعَاقِلُ الْبُومَاتِ. (۰/۵)	۷		
۶	إِنتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجِمَةِ: (الف) لَا أَتَزَلُّ حَبِيبًا بِسَبَبِ زَلَّةٍ؛ لِأَنِّي لَنْ أَجِدَ أَحَدًا كَامِلًا إِلَّا اللَّهَ. (۱) نباید یک دوست را به خاطر لغزشی رها کنم، زیرا کسی کامل را به جز خدا پیدا نخواهم کرد. (۲) دوستی را به خاطر یک لغزش رها نمی‌کنم، زیرا کسی کامل جز خدا پیدا نخواهد شد. (ب) سَتَشَاهِدُونَ مَشَاكِلَ جَدِيدَةً بَعْدَ التَّعَدِّي عَلَى نِظَامِ الطَّبِيعَةِ. (۱) بعد از دست‌درازی کردن به نظم طبیعت، مشکلات جدید را می‌بینید. (۲) پس از دست‌درازی کردن به نظم طبیعت، مشکلاتی جدید را خواهید دید.	۰/۵		

ردیف	سؤالات	نمره
۷	كَمَلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجِمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: الف) أَعْرِفُ السَّمَكَ الَّذِي يَسْتُرُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْجَفَافِ فِي غِلَافٍ. ماهی ای را می شناسم که خودش را هنگام در می پوشاند. ب) أَخَذْتُ أَصْحَحُ أَخْطَائِي الْعَظِيمَةَ بِالْحِفَافِ عَلَى الطَّيُورِ. به تصحیح خطاهای با نگهداری از پرندگان کردم.	۱
۸	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ: «عَبَدَ: عبادت کرد» الف) شَاهَدْتُ رَجُلًا يَعْبُدُ الْأَصْنَامَ. ج) لَا يَعْبُدُ الْمُوَحِّدُ مَا تَعْبُدُونَ. «تَحَدَّثَ: سخن گفت» د) لَنْ يَتَحَدَّثَ هَذَا الْمَسْئُولُ الْغَافِلُ عَنْ نَفْوِزِ الْعَدُوِّ. و) لَيَتَحَدَّثَنَّ عَنْ أَهَمِّيَّةِ الْعِلْمِ. «أَعَانَ: یاری کرد» ز) سَلَّمْتُ عَلَى زَمِيلَةٍ أَعَانَتْنِي فِي كِتَابَةِ تَمَارِينِي. ح) قَدْ أَعَانَ مُحَمَّدٌ أَخِي فِي حَلِّ مُشْكَلَتِهِ. هـ) لَمْ يَتَحَدَّثِ الْمُدِيرُ عَنِ الْإِمْتِحَانَاتِ.	۲
۹	عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: الف) الْمِيزَانُ آلَةٌ يُعْرَفُ بِهَا وَزْنُ شَيْءٍ. ج) «رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ» ب) يَا تَلَمِيذَ الصَّفِّ أَحْبِبْ لِقِيرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ. د) «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ»	۲
۱۰	مَيِّزْ فِي الْعِبَارَاتِ: «أَذْكُرُوا بَعْضَ أَسْمَاءِ اللَّهِ الْحُسْنَى. - كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ أَعْيُنَ. - قَرَأَ الرَّجُلُ الْعَلَامَةُ مَصَادِرَ الْكِتَابِ التَّارِيخِي.» الف) اسم التَّفْضِيلِ ب) اسم المَكَانِ ج) اسم الفَاعِلِ د) اسم المَبَالِغَةِ	۱
۱۱	مَيِّزْ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: «مُخِطٌ، اسْتَغْفِرَ اللَّهُ لِدُنُوبِكَ. - لَا تَعْلَمُ زَمِيلَاتِي اللُّغَةَ الْإِيطَالِيَّةَ إِلَّا فَاطِمَةُ. - يَتَقَبَّلُ اللَّهُ الْأَدْعِيَةَ تَقَبُّلاً.» الف) الْمُسْتَسْتَنَى ب) الْمُسْتَسْتَنَى مِنْهُ ج) الْمُنَادَى د) الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ هـ) نَوْعَ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ	۱/۲۵
۱۲	عَيِّنِ مَصْدَرًا يُقَيِّدُ التَّشْبِيهَ: ۱) اجْتَهَدْتُ لِتَرْبِيَةِ الْأَوْلَادِ اجْتِهَادَ الْأُمَّهَاتِ الْمُشْفِقَاتِ. ۲) لِنَقْرَأْ هَذِهِ الْقِصَّةَ الْقَصِيرَةَ الْمُفِيدَةَ قِرَاءَةً دَقِيقَةً.	۰/۲۵
۱۳	عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَالْإِعْرَابِ: «تَدَخَّلَ الْإِنْسَانُ فِي أُمُورِ الطَّبِيعَةِ يُؤَدِّي إِلَى اخْتِلَالِ تَوَازُنِهَا.» الف) يُؤَدِّي: ۱) فَعْلٌ مُضَارِعٌ «يَأْتِي مَصْدَرُهُ عَلَى وَزْنِ تَفْعَلُ»، مَجْهُولٌ / فَعْلٌ وَ الْجُمْلَةُ فَعْلِيَّةٌ ۲) فَعْلٌ مُضَارِعٌ، لِلْمَفْرَدِ الْمَذْكُورِ الْغَائِبِ، مَعْلُومٌ / خَبَرٌ وَ الْجُمْلَةُ فَعْلِيَّةٌ ب) تَوَازُن: ۱) اسم المصدر، مفرد، مُعَرَّبٌ / مُضَافٌ إِلَيْهِ وَ الْمُضَافُ «اختلال» ۲) اسم، مذكر، مُعَرَّفٌ بِأَلٍ / صِفَةٌ وَ مَجْرُورَةٌ بِالْكَسْرِ وَ مَوْصُوفُهَا «اختلال»	۰/۵
۱۴	عَيِّنِ الصَّحِيحَ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (الْعَجُوزُ / الْبَسَمَةُ / الْجَوُزُ / الْمَدْعُوُّ / الرَّدَاءُ / الْأَسْمِدَةُ) الف) مَوَادٌّ تُسْتَخْدَمُ لِتَقْوِيَةِ التُّرَابِ الضَّعِيفِ. ب) قِطْعَةٌ مِنْ قُمَازٍ يُلْبَسُ فَوْقَ الْمَلَابِسِ كَالْعِبَاءَةِ. ج) صَنْجَكٌ خَفِيفٌ يَلَا صَوْتٍ. د) ثَمَرَةٌ يَكْسَرُ قِشْرُهَا لِتَنَاوُلِهَا.	۱

ردیف	سؤالات	نمره
١٥	إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ: «دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي مَسْجِدٍ. كَانَ فِي الْمَسْجِدِ جَمَاعَتَانِ. جَمَاعَةٌ يَتَفَقَّهُونَ وَجَمَاعَةٌ يَدْعُونَ اللَّهَ وَيَسْأَلُونَهُ. فَقَالَ: كَيْلَا الْجَمَاعَتَيْنِ إِلَى خَيْرٍ. أَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَدْعُونَ اللَّهَ؛ وَ أَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَتَعَلَّمُونَ وَ يَتَفَقَّهُونَ الْجَاهِلُ. هَؤُلَاءِ أَفْضَلُ. بِالْتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ. ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُمْ.» (الف) مَنْ قَامَ بِالذُّخُولِ فِي مَسْجِدٍ؟ (ب) مَعَ مَنْ جَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)؟ (ج) أَمْ كَانَ الْمَسْجِدُ فَارِغًا مِنَ النَّاسِ؟ (د) أَيُّ جَمَاعَةٍ كَانُوا أَحْسَنَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؟	١
	موفق باشيد.	٢٠

صفحات پاسخ

موضوع آزمون

١٨

آزمون

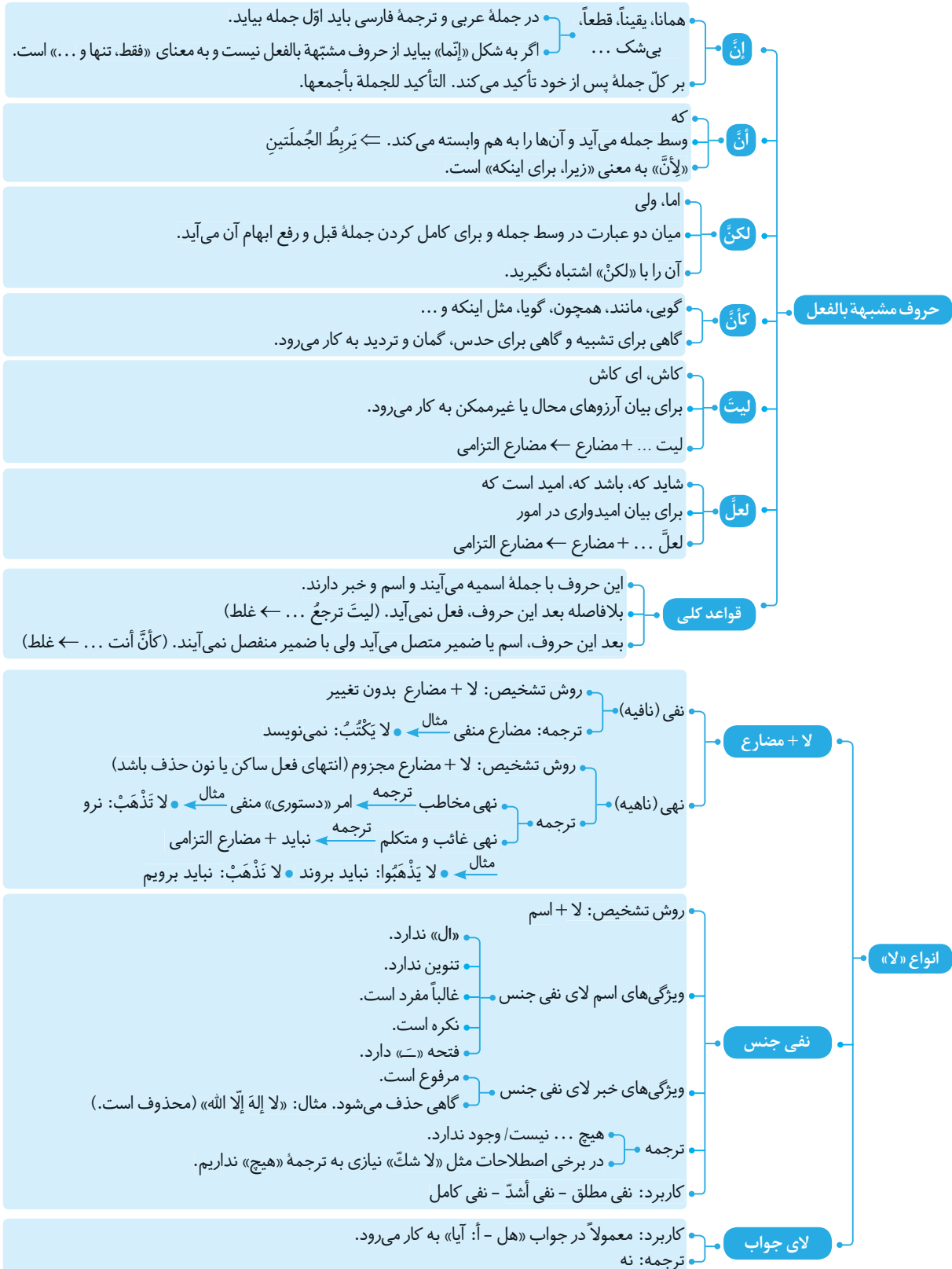
١١٢ تا ١١٤

نیمسال دوم (٢)

امتحان نهایی: عربی ۳		رشته: ادبیات و علوم انسانی		تألیفی		مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	
ردیف	سؤالات						نمره
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (الف) نَعْرِفُ مُهَدَّدَاتِ نِظَامِ الطَّبِيعَةِ. (ج) يَكُونُ قِشْرُ ثَمَرَةٍ هَذِهِ الشَّجَرَةِ صُلْبًا. (ب) نُرِيدُ مِنْ مُجِيبِ الدَّعَوَاتِ النَّجَاحَ فِي الْحَيَاةِ. (د) تَحْمِلُ مَشَاكِلَ الْحَيَاةِ مُؤَلِّمٌ لَكَ.						۱
۲	اُكْتُبْ: «يَعِيشُ هَذَا السَّمَكُ دَاخِلَ حُفْرَةٍ فِي انْتِظَارِ نُزُولِ الْمَطَرِ - الْوَلَدُ الْمُؤْمِنُ يَقْعُدُ أَمَامَ وَالِدِهِ بِالْأَدَبِ - يُشَارِكُ مُحَمَّدٌ فِي أَكْثَرِ الْمُبَارَاةِ الْعِلْمِيَّةِ.» (الف) المُتَرَادِفُ للكلمة «المُسَابَقَاتُ»: (ب) المُتَرَادِفُ للكلمة «يَجْلِسُ»: (ج) المُتَضَادُّ للكلمة «يَمُوتُ»:						۵/۷۵
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: (۱) الطَّائِرُ (۲) الْخِدَاعُ (۳) الْأَفْرَاحُ (۴) الْوَكْنَةُ						۵/۲۵
۴	(الف) اُكْتُبِ الْمُفْرَدَ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ: «هَؤُلَاءِ الْعَجَائِزُ يَلْتَزِمُونَ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ.» (ب) اُكْتُبِ الْجَمْعَ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ: «تَخْرُجُ الْمَوَادُّ الْمُخَاطِيَّةُ مِنْ قِمِّ السَّمَكِ الْمَدْفُونِ.»						۵/۵
۵	تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» (۵/۵) (ب) «يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ» (۵/۵) (ج) أُحَاوِلُ أَنْ لَا تَتَعَرَّضَ الْخَضِرَاوَاتُ بِمَزْرَعَتِي لِلتَّلَفِ. (۵/۷۵) (د) لَعَلَّ اللَّهَ يَجْعَلُ التَّوْفِيقَ حَظِّي فِي الْحَيَاةِ. (۵/۵) (هـ) نَهَمْتُ بِنِظَافَةِ الْبَيْتَةِ اهْتِمَامَ الْمَوَاطِنِ الْفَهِيمِ. (۵/۵) (و) وَ أَنْزِ عَقُولَ كُلِّ أَوْلَادِي بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ. (۵/۵) (ز) يَغْرُ طَوْلُ الْأَمَلِ مَنْ يُحِبُّ لَذَاتِ الدُّنْيَا. (۵/۵) (ح) هُنَاكَ رَوَابِطُ مُتَدَاخِلَةٍ بَيْنَ الْكَائِنَاتِ الْحَيَةِ وَ بَيْتِهَا. (۵/۵) (ط) يُقَالُ إِنَّ سَيِّدَ الْكَلَامِ الْقُرْآنَ. (۵/۵) (ي) قَرَّرَ الصِّتَادُونَ الْإِفْرِيقِيُّونَ حَفَرَ التُّرَابِ الْجَافِّ. (۵/۵) (ك) لَمَّا قُتِلَتِ الْبُومَاتُ خَرَجَتِ الْبَيْئَةُ مِنْ حَالَتِهَا الطَّبِيعِيَّةِ. (۵/۷۵) (ل) لَا تُسْتَرُّ الْأَسْمَاكُ تَحْتَ الطِّينِ إِلَّا ذَلِكَ السَّمَكِ. (۵/۵) (م) مَنْ هَجَرَ صَدِيقًا بِسَبَبِ زَلَّةٍ فَهُوَ جَاهِلٌ. (۵/۵)						۷

مرورنامه

درس اول



صفحات پاسخ

موضوع آزمون

۱۹

آزمون

۱۱۴

کل کتاب (۱) - شبه‌نهایی

ردیف	امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ادبیات و علوم انسانی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه
ردیف	سؤالات	نمره		
۱	تَرْجِمِ کَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ: (الف) تَكَلَّمْنَا مَعًا حَوْلَ تَلَوْنِ الْهَوَاءِ. (ج) غَرَسَتْ فَسِيلَةً جَوَزَ قَبْلَ يَوْمٍ. (ب) لَا يَطْلُبُ الْمَرْءُ الْعَاقِلُ بِالْعِلْمِ بَدَلًا. (د) عَلَيْنَا بِاسْتِخْدَامِ الْمُخْتَرَعَاتِ الْحَدِيثَةِ.	۱		
۲	أُكْتُبُ: «يا ولدي العزيز أنظر إلى الحوادث نظرة المتفائل. - العائل المجفؤ يحتاج إلى المساعدة.» (الف) المترادف لكلمة «الإعانة»: (ب) المترادف لكلمة «المطروء»: (ج) المتضاد لكلمة «المتشائم»:	۰/۷۵		
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: (۱) الذاء (۲) الحظ (۳) الطيب (۴) المَرْضَى	۰/۲۵		
۴	(الف) أَكْتُبِ الْمُفْرَدَ لِمَا تَحْتَهُ خَطُّ: «إِلَهِي أَنْزِ عَقْلِي بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ.» (ب) أَكْتُبِ الْجَمْعَ لِمَا تَحْتَهُ خَطُّ: «صَاحِبُ تِلْكَ الْمَزْرَعَةِ رَاجَعَ خَبِيرَ الزَّرَاعَةِ.»	۰/۵		
۵	تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) ﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾ (۰/۵) (ب) ﴿يَا عِبَادِي الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ﴾ (۰/۵) (ج) جَلَسَتِ الشَّيْمَاءُ عَلَى رِداءِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) مُعَزَّزَةً. (۰/۵) (د) لَوْ اسْتَحْدَمْتُمْ الدِّينَامِيَّتَ لَسَهَّلَ عَلَيْكُمْ شَقَّ الْقَنَاقَةِ. (۰/۷۵) (هـ) يَا صَدِيقِي الْغَنَى مَا لَكَ أَلَّا تُحْسِنَ إِلَى الْفُقَرَاءِ؟ (۰/۵) (و) لَعَلَّكُمْ تُعِينُونَ إِمَامَكُمْ بِوَرَعٍ وَ سَدَادٍ. (۰/۵) (ز) إِذَا حَاولَ الْإِنْسَانُ إِرضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ نَدَمَ. (۰/۵) (ح) كَانَ الطَّائِرُ الذَّكِيُّ يُقَيِّدُ حَيَاةَ فِرَاحِهِ بِخِدَاعِ غَدَوِهِ. (۰/۷۵) (ط) صَحَّحَ زَارِعٌ خَطَأَ الْعَظِيمِ الَّذِي قَتَلَ الْبُومَاتِ. (۰/۵) (ي) لَا يَسْتَوِي الَّذِينَ يَتَفَقَّهُونَ وَالْجُهَالُ. (۰/۵) (ك) لَاخِطْتُ أَنْتُمْ تَسْبَوْنَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (۰/۵) (ل) يُحْمَلُنَا صَاحِبُ الْعَمَلِ مَا لَا نَقْدِرُ عَلَيْهِ تَحْمِيلًا. (۰/۵) (م) مَا أَنْشَأَ مَصَانِعَ لِاشْتِغَالِ الْفَتَيَةِ إِلَّا الْمُحْسِنُونَ. (۰/۵)	۷		
۶	إِنْتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجِمَةِ: (الف) لَا تَسْلُبِ الْيَتِيمَ أَمْوَالَهُ. (۱) نباید از یتیم دارایی‌هایش را به زور بگیری. (۲) از یتیم دارایی‌هایش را به زور نگیری. (ب) قَدْ فَقَّ الْعَالِمُ الْمُجْتَهِدُ بَعْضَ النَّاسِ. (۱) دانشمندی تلاشگر، گاهی بعضی از مردم را دانا می‌کند. (۲) دانشمند کوشا، برخی از مردم را دانا کرده است.	۰/۵		
۷	كَمِّلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجِمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (الف) دَعَتِ الْبِنْتُ الْمُؤْمِنَةَ وَالذَّيْهَا إِلَى الْإِسْلَامِ وَ هُمَا لَا يَعْرِفَانِ الْإِسْلَامَ. دختر باایمان، را به اسلام فراخواند، آن‌ها اسلام را نمی‌شناختند. (ب) أُنَمِّنِي أَنْ يُعْتَقَ جَمِيعُ الْأَسْرَى وَ يُخْرَجُوا مِنَ الْأَسْرِ. که همه اسیران و از اسارت خارج شوند.	۱		

ردیف	سؤالات	نمره
٨	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ: «سَهَرٌ: بیدار ماند» الف) قَدْ تَسَهَّرَ أُخْتِي لِمُطَالَعَةِ دُرُوسِهَا. ج) شَرَبْنَا الْقَهْوَةَ لِكَيْ نَسَهَرَ كُلَّ اللَّيْلِ. «قَعَدَ: نشست» د) إقْعِدُوا مَعَ مَنْ يَحْتَرِمُهُ الْعُلَمَاءُ. و) لَمْ يَقْعُدْ أَبِي الْمُوحَّدَ مَعَ الْكُفَّارِ. «كَتَبَ: نوشت» ز) لَبِثَ ذَلِكَ الزَّمِيلُ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ بِدَقَّةٍ. ح) سَيَكْتُبُ أَخِي ذِكْرِيَّاتِهِ فِي دَفْتَرٍ. هـ) لَنْ يَقْعُدَ الْأَفَاضِلُ مَعَ الْأَرَاذِلِ.	٢
٩	أَكْتُبِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ: الف) خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ طِينَةٍ. ج) لَمْ يَتَقَنَزْ أَصْدِقَائِي بِالنَّسَبِ إِلَّا مَحْمُودًا. ب) أَمْ نَزَعُمْ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ؟ د) لَا تُعَامِلِ النَّاسَ مُعَامَلَةَ الْقَطِّ.	٢
١٠	مَيِّزْ فِي الْعِبَارَاتِ: «كَأَنَّ خَبِيصِي مُتَزَدِّدٌ فِي شِرَاءِ الْعَصَاةِ. - قَرَأْتُ الْكِتَابَ التَّارِيخِيَّ إِلَّا مَصَادِرَهُ. - «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا» الف) اسم المفعول ب) اسم المكان ج) اسم الفاعل د) اسم المبالغة	١
١١	مَيِّزْ فِي الْآيَةِ وَالْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» - «إِنْزَعَجَ وَالِدِي مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ انْزِعَاجًا. - شَارَكَ أَوْلَادِي فِي مَجَالِسِ الْوَعظِ إِلَّا كَاطِمًا. - رَبِّ امْلَأِ الصَّدْرَ انْشِرَاحًا وَفَمِي بِالتَّسْمَاتِ.» الف) المُسْتَنَى ب) المُسْتَنَى مِنْهُ ج) الْمُنَادَى د) الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ هـ) نوع المفعول المطلق و) الحال	١/٥
١٢	عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَالْإِعْرَابِ: «إِنِّي تَخَلَّصْتُ مِنَ الْبُومَاتِ بِقَتْلِ الْكَثِيرِ مِنْهَا.» الف) تَخَلَّصْتُ: (١) فعلٌ ماضٍ، حروفه الأصلية «خ ل ص»، مجهولٌ / فعلٌ و الجملة فعلية (٢) فعلٌ ماضٍ، للمتكلم وحده، معلومٌ / خبر الحرف المشبهة بالفعل و الجملة فعلية ب) الكثير: (١) اسم، مفرد، مَعْرُوفٌ بِالْ / مضاف إليه و المضاف «قَتَلَ» (٢) اسم، مذكَّر، مَعْرُوفٌ بِالْعِلْمِيَّةِ / صفةٌ و مجرورة بالكسرة	٥/٥
١٣	عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ: (كلمتان زائدتان) (التَّائِبُ / الْيَافِعُ / الْجَانِعُ / الْمَأْدُبَةُ / الْخَبِيرُ / الْعَجُوزُ) الف) مائدة الصَّيَافَةِ الَّتِي يَجْلِسُ الْحَضَارُ عَلَيْهَا. ج) مَنْ يُرِيدُ إِصْلَاحَ أَعْمَالِهِ الْقَبِيحَةِ. ب) الرَّجُلُ أَوِ الْمَرْأَةُ الْكَبِيرَةُ فِي السَّنِّ. د) عَالِمٌ مُتَخَصِّصٌ بِأُمُورِ مِهْنَةٍ أَوْ عَمَلٍ أَوْ بَرْنَامَجٍ.	١
١٤	إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: «يُوجَدُ نَوْعٌ مِنَ الْأَسْمَاكِ فِي إِفْرِيقِيَا يُسَمَّى السَّمَكُ الْمَدْفُونُ. هُوَ يَسْتُرُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْجَفَافِ فِي غِلَافٍ مِنَ الْمَوَادِّ الْمُخَاطِيَةِ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ فَمِهِ وَ يَدْفِنُ نَفْسَهُ تَحْتَ الطِّينِ، ثُمَّ يَنَامُ نَوْمًا عَمِيقًا أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ. يَعِيشُ السَّمَكُ الْمَدْفُونُ دَاخِلَ حُفْرَةٍ صَغِيرَةٍ فِي انْتِظَارِ نُزُولِ الْمَطَرِ.» الف) فِيمَ يَسْتُرُ السَّمَكُ الْمَدْفُونُ؟ ب) كَمْ مُدَّةً يَنَامُ السَّمَكُ الْمَدْفُونُ؟ ج) أَيْ سَكَنَ السَّمَكُ الْمَدْفُونُ دَاخِلَ حُفْرَةٍ كَبِيرَةٍ؟ د) كَيْفَ يَعِيشُ السَّمَكُ الْمَدْفُونُ دَاخِلَ حُفْرَةٍ؟ (١) يَعِيشُ مُنْتَظِرًا لِيُوصَلَ الصِّيَادِينَ. (٢) يَعِيشُ مُنْتَظِرًا لِنُزُولِ الْمَطَرِ.	١
٢٥	موفقٌ باشيد.	

پاسخ آزمون (۱) - درس اول (۱)

۱ الف) گِل (نکته گلی) (ص ۱۳) ب) به هم پیچیده می شود (ص ۲) - «يَنْطَوِي» فعل مضارع از صیغه مفرد مذکر غائب به معنای «به هم پیچیده می شود» است. ج) مایه تباهی (ص ۱۳) د) استوار و محکم (ص ۸) - «مَرْصُوصٌ» اسم مفعول از فعل ثلاثی مجرد بر وزن «مفعول» به معنای «استوار» است. (هر مورد ۰/۲۵)

۲ الف) اَمْرِيّ (ص ۲) - «إنسان» و «اَمْرِيّ» با هم مترادف و به معنای «انسان» هستند. ب) رَعَمَ (ص ۲) - «ظَنَّ» و «رَعَمَ» با هم مترادف و به معنای «گمان کرد، پنداشت» هستند. ج) مُتَرَدِّدٌ (ص ۸) - «عَازِمٌ: مصمم» و «مُتَرَدِّدٌ: دودل» با هم متضاد هستند. (هر مورد ۰/۲۵)

۳ ۳ «تَفَاحٌ» (ص ۱۳) (ص ۰/۲۵) - «تَفَادٌ: نقدکنندگان»، «طَلَابٌ: دانشجویان» و «عُمَالٌ: کارگران» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «تَفَاحٌ: سیب» از نظر معنایی ارتباطی با سایر کلمات ندارد.

۴ الف) حَاجَةٌ (ص ۱۷) (ص ۰/۲۵)

نکته به تفاوت معنایی کلمات مشابه دقت کنیم. مثال: مفرد «حَوَائِج: نیازها» به صورت «حَاجَةٌ» می آید و نه «احتیاج».

ب) الْعِظَامُ (ص ۱۳) (ص ۰/۲۵)

نکته به تفاوت معنایی کلمات مشابه دقت کنیم. مثال: جمع «الْعِظَمُ: استخوان» به صورت «الْعِظَامُ» می آید و نه «الأعاطم: بزرگ ترها، مفرد: الأعظم».

۵ الف) و نفسم را بی گناه نمی شمارم؛ زیرا نفس، بسیار دستوردهنده به بدی است. (ص ۱۵) (ص ۰/۵)

نکته گاهی حرف «ما» فعل مضارع را منفی می کند. مثال: «ما أَبْرَأُ: بی گناه نمی شمارم»

نکته اسم مبالغه بر بسیاری صفت یا اسم ابزار یا اسم شغل دلالت دارد و بر وزن «فَعَالٌ» و «فَعَالَةٌ» می آید. مثال: «أَمَّارَةٌ: بسیار دستوردهنده»

ب) آن کتاب که هیچ شکی در آن نیست، هدایتی برای پرهیزگاران است. (ص ۱۰) (ص ۰/۵)

نکته «لای» نفی جنس بر سر اسم می آید و وجود چیزی را به صورت کامل نفی می کند. فراموش نکنیم که بعد از «لای» نفی جنس اسمی می آید که نه «ال» دارد و نه «تنوین» و حرکت آخر آن، فتحه است. «لا» در «لَا رَيْبَ فِيهِ» از نوع «لای» نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» می باشد.

نکته در ترجمه اسم، به مفرد و جمع بودن اسم دقت کنیم. مثال: «الْمُتَّقِينَ» جمع مذکر سالم به معنای «پرهیزگاران» است و نباید به صورت مفرد «پرهیزگار» ترجمه شود.

ج) شاید (امید است) شما دل هایتان را با زیادی غذا و نوشیدنی نمی رانید. (ص ۱۳) (ص ۰/۷۵)

نکته «لَعَلَّ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «شاید، امید است» می باشد و برای بیان امید به کار می رود.

نکته حروف مشبّهة بالفعل بر سر ضمائر متصل نیز می آیند «لَعَلَّ + كُمْ = لَعَلَّكُمْ» هرگاه پس از حرف «لَعَلَّ» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود. مثال: «لَعَلَّكُمْ لَا تُمَيِّتُونَ: امید است شما نمی رانید»

نکته حرف «لا» منفی کننده فعل مضارع است و تغییری در انتهای فعل مضارع ایجاد نمی کند.

نکته به تفاوت معنای افعال ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید دقت کنید. مثال: «مَاتَ: مُرد»، «أَمَاتَ: میراند»

د) کاش مرد کافر، نام خدا را بر غذایش یاد کند. (ص ۱۳) (ص ۰/۵)

نکته «لَیْتَ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «کاش» است و برای بیان آرزو به کار می رود.

نکته هرگاه پس از حرف «لَیْتَ» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود. مثال: «لَیْتَ ... يَذْكُرُ: کاش یاد کند»

ه) به دودمان افتخار نکن، پس همانا (زیرا) مردم از جهت پدران، یکسان (همتا) هستند. (ص ۲ و ۳) (ص ۰/۷۵)

نکته برای ساختن فعل نهی مخاطب، «لای» نهی را بر سر فعل مضارع از صیغه مخاطب می آوریم و آخر فعل را ساکن می کنیم و «ن» آخر فعل را به جز در صیغه جمع مؤنث حذف می کنیم. مثال: «لای نهی + تَفَخَّرُ = لَا تَفَخَّرُ: افتخار نکن» در ترجمه به مفرد و جمع بودن اسم دقت کنیم. مثال: «الآباء: پدران» اسم جمع مکسر به معنای «پدران» است و نباید به صورت مفرد «پدر» ترجمه شود.

و) هرکس جانشینی برای (با) دانش نخواهد، خردمند است. (ص ۲) (ص ۰/۵)

نکته در اسلوب شرط، فعل شرط را به صورت مضارع التزامی ترجمه می کنیم. هرگاه جواب شرط از نوع جمله اسمیه باشد، قبل از آن حرف «فَ» می آید. «مَنْ» ادات شرط به معنای «هرکس» است. «لَا يَطْلُبُ» فعل شرط و مضارع است و به صورت مضارع التزامی «نخواهد» ترجمه می شود. «هو عاقلٌ» جواب شرط از نوع جمله اسمیه است و پیش از آن، حرف «فَ» آمده است.

ز) باید به درماندگان و نیازمندان از آنچه می خوریم، خوراک دهیم. (ص ۱۰) (ص ۰/۵)

نکته چنانچه «لِ» امر به غائب و متکلم بر سر فعل مضارع بیاید؛ این فعل مضارع، معادل مضارع التزامی در فارسی است. در این حالت آخر فعل مضارع ساکن می شود و «ن» آخر فعل مضارع به جز در صیغه جمع مؤنث حذف می شود. مثال: «لِيُطْعِمَ» فعل امر به متکلم به معنای «باید خوراک دهیم» است و کسره در آخر «لِيُطْعِمَ» از نوع کسره عارضی می باشد که نشانه ساکن بودن آخر فعل مضارع است.

«تَأْكُلُ» فعل مضارع از صیغه متکلم مع الغیر به معنای «می خوریم» است. ج) افتخارکننده به دودمان گمان نکرد (نپنداشت) که داروی بیماری اش، اندیشیدن می باشد. (ص ۲ و ۳) (ص ۰/۷۵)

نکته هرگاه پس از حرف «لَمْ» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلی منفی» ترجمه می شود. مثال: «لَمْ يَحْسَبْ: گمان نکرد، گمان نکرده است»

نکته اسم فاعل از فعل ثلاثی مجرد (فعل فقط سه حرفی) بر وزن «فاعل» ساخته می شود. مثال: اسم فاعل از فعل «فَخَّرَ: افتخار کرد» به صورت «فَاخِرَ: افتخارکننده» می آید.

نکته «أَنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می دهد و معمولاً میان دو جمله می آید.

ط) محمّد تلاش کرد که دانشی سودمند را به دست بیاورد و خودش را از نادانی بیرون بیاورد. (ص ۲) (ص ۰/۷۵)

نکته هرگاه پس از حرف «أَنَّ» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود. مثال: «أَنَّ يَقْوَرُ بِ: که به دست بیاورد»

نکته در ترجمه ترکیب وصفی که از دو اسم نکره تشکیل شده است، «ی» نکره را به صفت یا موصوف می دهیم. مثال: «علی نافع: دانشی سودمند، دانش سودمندی»

ی) کسانی را که به جای خدا فرا می خوانند، دشنام نمی دهیم تا به خدا دشنام ندهند. (ص ۱۲) (ص ۰/۷۵)

نکته حرف «لا» منفی کننده فعل مضارع است و تغییری در انتهای فعل مضارع ایجاد نمی کند. مثال: «لَا أَسُبُّ: دشنام نمی دهیم».

نکته هرگاه پس از حرف «لِکَی» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود. مثال: «لِکَی لَا يَسْتَوُوا: تا دشنام ندهند»

نکته هرگاه میان حروف «أَنْ، کَی، حَتَّى» و فعل مضارع، حرف «لا» بیاید؛ از نوع «لای» نفی مضارع می باشد. مثال: «لِکَی لَا يَسْتَوُوا: تا دشنام ندهند»

ک) از مدیر سؤال شد: آیا دانش آموزی در مدرسه است؟ پس پاسخ داد: نه، هیچ دانش آموزی اینجا نیست. (ص ۱۶) (ص ۰/۷۵)

هـ) رستگار نخواهد شد (ص ۱۵) (۰/۲۵)

نکته هرگاه پس از حرف «لَن» فعل مضارع بیاید: فعل مضارع به صورت مستقبل منفی ترجمه می‌شود. **مثال:** «لَن تَقْلَحَ: رستگار نخواهد شد»

و) رستگار شده‌اند (ص ۱۵) (۰/۲۵)

نکته چنانچه حرف «قَدْ» بر سر فعل ماضی بیاید: این فعل، به صورت ماضی نقلی ترجمه می‌شود. **مثال:** «قَدْ أَفْلَحَ: رستگار شده است»

نکته هرگاه فعل در ابتدای جمله از صیغه غائب بیاید و بعد از آن اسمی به عنوان فاعل بیاید: در این حالت فعل به صورت مفرد می‌آید، هر چند فاعل آن اسمی مثنی یا جمع باشد. اما باید دقت کنیم که در ترجمه، فعل مطابق با صیغه فاعل می‌آید. **مثال:** «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الْمُخْلِصُونَ: مؤمنان باخلاص، رستگار شده‌اند.»

۹) الف) يَعْلَمُ (ص ۱۶) (۰/۲۵)

نکته هرگاه فعل در ابتدای جمله از صیغه غائب بیاید و بعد از آن اسمی به عنوان فاعل بیاید: در این حالت فعل به صورت مفرد می‌آید، هر چند فاعل آن اسمی مثنی یا جمع باشد. **مثال:** «يَعْلَمُ أَصْدَقَائِي أَنَّ الصَّبَرَ مِفْتَاحُ الْقَرَجِ.»

ب) لَا تَكْتَبُ (ص ۱۴) (۰/۲۵) - در جای خالی باید فعل نهی از صیغه مفرد مذکر مخاطب «لَا تَكْتَبُ» بیاید: زیرا اسم مفرد مذکر «رَمِل» مورد خطاب قرار گرفته است.

۱۰) الف) أَحْسَنُ (ص ۱۵) (۰/۲۵)

نکته اسم تفضیل در حالت مذکر بر وزن «أَفْعَل» می‌آید. **مثال:** «أَحْسَنُ: نیکوتر.»
ب) الْفَدْرَسَةُ (ص ۱۶) (۰/۲۵) - «الْمَدْرَسَةُ» اسم مکان بر وزن «مَفْعَلَةٌ» است.

ج) جَائِعٌ (ص ۱۶) (۰/۲۵)

نکته اسم فاعل از فعل ثلاثی مجزء (فعل فقط سه حرفی) بر وزن «فاعل» ساخته می‌شود. **مثال:** اسم فاعل از فعل «جَاعَ: گرسنه شد» به صورت «جائع: گرسنه» می‌آید.

د) مَكْتُوبَةٌ (ص ۸) (۰/۲۵)

نکته اسم مفعول از فعل ثلاثی مجزء (فعل فقط سه حرفی) بر وزن «مفعول» ساخته می‌شود. **مثال:** اسم مفعول از فعل «كَتَبَ: نوشت» به صورت «مكتوب: نوشته شده» می‌آید.

نکته اسم مفعول می‌تواند نشانه‌های مفرد مؤنث، مثنی مذکر و مؤنث و جمع مذکر و مؤنث را بپذیرد. **مثال:** «مَكْتُوبَةٌ» اسم مفعول و مفرد مؤنث است.

هـ) رَسَانَا (ص ۱۱) (۰/۲۵) - «مَوْصِلٌ» اسم فاعل از «يُوصِلُ» به معنای «رسانا» است. و) آبمیوه‌گیری (ص ۸) (۰/۲۵)

نکته «العَصَاة» اسم مبالغه بر وزن «فَعَالَةٌ» به معنای «آبمیوه‌گیری» است و بر ابزار و وسیله دلالت دارد.

۱۱) ۲ (ص ۵ و ۶) (۰/۲۵) - در گزینه (۲)، «إِنَّ» در «إِنَّهُ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «همانا» است و ابتدای جمله آمده است و جمله پس از خود را تأکید کرده است.

در گزینه (۱)، «إِنْ» ادات شرط به معنای «اگر» است. در گزینه (۳)، «أَنْ» در «أَنْ يَذْهَبُوا» از حروف ناصبه به معنای «که» است که بر سر فعل مضارع «يَذْهَبُوا» آمده است.

نکته حروف مشبّهة بالفعل بر سر ضمایر متصل نیز می‌آیند «إِنَّ + هُ = إِنَّهُ».

۱۲) ۳ (ص ۹ و ۱۰) (۰/۲۵)

نکته «لَاي» نفی جنس بر سر اسم می‌آید و وجود چیزی را به صورت کامل نفی می‌کند. فراموش نکنیم که بعد از «لَاي» نفی جنس اسمی می‌آید که نه «ال» دارد و نه «تنوین» و حرکت آخر آن، فتحه است.

در گزینه (۳)، «لَا» در «لَا رَجَاءَ لَهُ» از نوع «لَاي» نفی جنس است و «لَا رَجَاءَ لَهُ» به معنای «هیچ امیدی ندارد» می‌باشد.

در گزینه (۱)، «لَا» در جواب کلمه پرسشی «هَلْ» آمده است. در گزینه (۲)، «لَا» در «أَلَا تَقْتَرِبُ» از نوع «لَاي» نفی مضارع است.

نکته در فعل ماضی مجهول، حرکت دومین حرف اصلی فعل «کسره» و حرکت تمام حروف متحرک (حرکت‌دار) قبل از آن، «ضمه» است. **مثال:** فعل مجهول از «سأل: سؤال کرد» به صورت «سئِلَ: سؤال شد» می‌آید.

نکته «لَاي» نفی جنس بر سر اسم می‌آید و وجود چیزی را به صورت کامل نفی می‌کند. فراموش نکنیم که بعد از «لَاي» نفی جنس اسمی می‌آید که نه «ال» دارد و نه «تنوین» و حرکت آخر آن، فتحه است. **مثال:** «لَا» در «لَا طَالِبَ هُنَا» از نوع «لَاي» نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» می‌باشد.

۶) الف) ۲ (ص ۱۲) - «جُهَالًا» اسم جمع مکشّر به معنای «نادان‌هایی» است و نباید به صورت مفرد «نادانی» در ترجمه بیاید.

نکته فعل ماضی + اسم نکره + فعل مضارع: فعل دوم معادل ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

«يُسَارِعُونَ» فعلی مضارع درباره اسم نکره قبل از خودش «جُهَالًا» است و چون قبل از آن فعل ماضی «نَصَحَ» آمده است: لذا «يُسَارِعُونَ» به صورت ماضی استمراری «شتاب می‌ورزیدند» ترجمه می‌شود.

ب) ۱ (ص ۸) - «فَاتِلُوا» فعل امر مخاطب از «تَقَاتِلُونَ» به معنای «بجنگید» است و نباید به صورت ماضی «جنگیدند» ترجمه شود. «لَا تَخَافُوا» فعل نهی مخاطب از «تَخَافُونَ» به معنای «نترسید» است و نباید به صورت ماضی منفی «نترسیدند» ترجمه شود. (هر مورد ۰/۲۵)

۷) الف) فرودگاه / راهنما (ص ۱۶) (هر مورد ۰/۲۵)

نکته به تفاوت معنایی کلمات مشابه دقت کنیم. **مثال:** «الْمَطَارُ: فرودگاه»، «الطَّيَارُ: خلیان»، «المطر: باران»، «الطائرة: هواپیما»، «الطائر: پرنده»، «الطير: پرندگان»

ب) باشید / نیکی کنید (ص ۱۴ و ۱۵) (هر مورد ۰/۲۵)

نکته برای ساختن فعل امر مخاطب، حرف مضارعه را حذف می‌کنیم و اگر پس از حذف حرف مضارعه، با حرف ساکن برخورد کردیم، در ابتدای فعل، همزه امر را قرار می‌دهیم و آخر فعل را ساکن می‌کنیم و «ن» آخر فعل را به جز در صیغه جمع مؤنث حذف می‌کنیم.

«كُونُوا» فعل امر مخاطب از «تَكُونُونَ» به معنای «باشید» است. - «أَحْسِنُوا» فعل امر مخاطب از «تُحْسِنُونَ» به معنای «نیکی کنید» است.

۸) الف) پنهان نکن (ص ۱۵) (۰/۲۵)

نکته برای ساختن فعل نهی مخاطب، «لَاي» نهی را بر سر فعل مضارع از صیغه مخاطب می‌آوریم و آخر فعل را ساکن می‌کنیم و «ن» آخر فعل را به جز در صیغه جمع مؤنث حذف می‌کنیم. **مثال:** «لَاي نهی + تَكْتُمُ = لَا تَكْتُمُ: پنهان نکن»
نکته هرگاه در آخر فعل مضارع حرکت کسره دیدید، آن فعل حتماً مجزوم است و حرکت کسره برای رفع التقای ساکنین یعنی آمدن اسم «ال» دار بعد از فعل است.

ب) پنهان نکرده بود (ص ۱۵) (۰/۲۵)

نکته هرگاه «كَانَ» بر سر «قَدْ + فعل ماضی» بیاید، با فعل «ماضی بعید» روبه‌رو هستیم. **مثال:** «مَا كَانَ قَدْ كَتَمَ: پنهان نکرده بود»

ج) پنهان می‌کردند (ص ۱۵) (۰/۲۵)

نکته هرگاه «كَانَ» بر سر فعل مضارع بیاید، فعل مضارع به صورت «ماضی استمراری» ترجمه می‌شود. **مثال:** «كَانُوا يَكْتُمُونَ: پنهان می‌کردند»

د) رستگار نمی‌شوند (ص ۱۵) (۰/۲۵)

نکته حرف «لَا» منفی‌کننده فعل مضارع است و تغییری در انتهای فعل مضارع ایجاد نمی‌کند. **مثال:** «لَا يُفْلِحُ: رستگار نمی‌شود»

نکته هرگاه فعل در ابتدای جمله از صیغه غائب بیاید و بعد از آن اسمی به عنوان فاعل بیاید: در این حالت فعل به صورت مفرد می‌آید، هر چند فاعل آن اسمی مثنی یا جمع باشد. اما باید دقت کنیم که در ترجمه، فعل مطابق با صیغه فاعل می‌آید. **مثال:** «لَا يُفْلِحُ الرَّجَالُ الْمُخْتَالُونَ: مردان خودپسند رستگار نمی‌شوند.»

نکته هرگاه میان حروف «أَنْ، كَيْ، لَيْ، حَتَّى» و فعل مضارع، حرف «لَا» بیاید؛ از نوع «لای» نفی مضارع می‌باشد. مثال: «لَا تَقْتَرِبْ» = أَنْ لَا تَقْتَرِبْ: که نزدیک نشوی»

۱۳ الف) لَيْتَ - لَيْتَ از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «کاش» است و برای بیان آرزو به کار می‌رود.

با توجه به معنای کلی جمله، در جای خالی باید «لَيْتَ: کاش» بیاید «دانشمند آرزو دارد: کاش این گروه قبل از مرگ بیدار شوند.»

(ب) أَسَاسِيَّةٌ

نکته اسم حرف مشبّهة بالفعل از نظر اعراب، همواره منصوب است.

در جای خالی باید «أَسَاسِيَّةٌ» بیاید؛ زیرا نقش اسم حرف مشبّهة بالفعل را دارد و از نظر اعراب، منصوب است.

(ج) مُشْتَقٌّ

نکته خبر «لای» نفی جنس از نظر اعراب، همواره مرفوع است.

در جای خالی باید «مُشْتَقٌّ» بیاید؛ زیرا نقش خبر «لای» نفی جنس را دارد و از نظر اعراب، مرفوع است. (ص ۱۶ و ۱۷) (هر مورد ۰/۲۵)

۱۴ الف) «لای» نفی جنس (ص ۱۲) (۰/۲۵) - «لَا» در «لَا شَيْءَ» از نوع «لای» نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» می‌باشد. فراموش نکنیم که بعد از «لای» نفی جنس اسمی می‌آید که نه «ال» دارد و نه «توین» و حرکت آخر آن، فتحه است.

(ب) «لای» نفی مضارع (ص ۱۴) (۰/۲۵)

نکته هرگاه بعد از کلمات پرسشی، «لَا» بر سر فعل مضارع بیاید، از نوع «لای» نفی مضارع می‌باشد.

نکته حرف «لَا» منفی‌کننده فعل مضارع است و تغییری در انتهای فعل مضارع ایجاد نمی‌کند. مثال: «لَا تَكْتُبَنَّ» نمی‌نویسید.

(ج) «لای» نفی (ص ۹) (۰/۲۵) - «لَا» در «تَسْكُتُ» از نوع «لای» نفی است.

نکته برای ساختن فعل نفی، «لای» نفی را بر سر فعل مضارع می‌آوریم و آخر فعل را ساکن می‌کنیم و «ن» آخر فعل را به جز در صیغه جمع مؤنث حذف می‌کنیم. مثال: «لای نفی + تَسْكُتُ = لَا تَسْكُتُ: نباید ساکت شویم.»

نکته اگر «لای» نفی با فعل مضارع مجزوم غائب و متکلم (منظور از مجزوم فعل مضارعی است که انتهای ساکن یا نون از آخرش حذف شده باشد) بیاید، به صورت (نباید + مضارع التزامی) ترجمه می‌شود.

۱۵ الف) إِرْضَاءٌ اسم حرف مشبّهة بالفعل / غایة: خبر حرف مشبّهة بالفعل (ص ۶) (هر مورد ۰/۲۵) - «إِرْضَاءٌ» نقش اسم حرف مشبّهة بالفعل را دارد و پس از حرف مشبّهة بالفعل «كَانَ» آمده است. - «غایة» نقش خبر حرف مشبّهة

بالفعل را دارد و معنای اسم حرف مشبّهة بالفعل را کامل می‌کند «گویی خشنود کردن همه مردم هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.» (ب) مُؤْمِنٌ: اسم «لای» نفی جنس / الآخرین: مجزوم به حرف جرّ (ص ۹) (هر مورد ۰/۲۵) - «مُؤْمِنٌ» نقش اسم «لای» نفی جنس را دارد و پس از «لای» نفی جنس آمده است.

نکته به اسمی که پس از حرف جرّ می‌آید، مجزوم به حرف جرّ می‌گویند. «الآخرین» در «عَلَى الْآخِرِينَ» نقش مجزوم به حرف جرّ را دارد؛ زیرا پس از حرف جرّ «عَلَى» آمده است.

۱۶ الف) ۱ - «يَرْحَمُ» فعل مضارع از صیغه مفرد مذکر غائب است و از صیغه مفرد مذکر مخاطب نیست. (ب) ۲ - «اللَّهُ» اسم معرفه به علم است و معرفه به «ال» نیست. - «اللَّهُ» نقش فاعل را دارد و مفعول نیست «خدا رحم نمی‌کند به کسی که به مردم رحم نمی‌کند.» (ص ۱۲) (هر مورد ۰/۲۵)

۱۷ الف) اللَّحْمُ (ص ۱۱) - «گوشت»، ماده‌ای قرمز رنگ از بدن حیوان است که از آن غذاها درست می‌شود. (ب) اللَّيْلُ (ص ۱۳) - «خساست»، ویژگی‌ای است که در مؤمن دیده نمی‌شود. (ج) أَبْصَرَ (ص ۲) - «نگریست»، با چشمش به چیزی نگاه کرد و آن را دید. (د) الْبَيَانُ (ص ۸) - «ساختمان»، مکانی مناسب برای زندگی کردن است. (هر مورد ۰/۲۵)

دو کلمه «تَفَاخَرٌ: افتخار کرد، مباهات کرد» و «الطَّيْنُ: گِل» زائد و اضافی هستند.

۱۸ ترجمه متن درک مطلب: روز رستاخیز، روزی است که بنابر آموزه‌های اسلام، تمام انسان‌ها در برابر خدا جمع می‌شوند تا کارهایشان که در دنیا به آن اقدام کردند، مورد حساب قرار بگیرد. پیش از این روز، وقایعی شگفت‌انگیز در زمین و در آسمان رخ می‌دهد. قرآن و روایات تأکید می‌کنند به اینکه جز خدا، کسی وقت (زمان) قیامت را نمی‌داند.

الف) الله - چه کسی زمان قیامت را می‌داند؟ خداوند. (ب) لِيُحَاسِبَ أَعْمَالَهُمْ الَّتِي قَامُوا بِهَا فِي الدُّنْيَا. - چرا مردم در روز قیامت جمع می‌شوند؟ تا کارهایشان که در دنیا به آن اقدام کردند، مورد حساب قرار بگیرد. (ج) قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ «قَبْلَ يَوْمِ الْبَعْثِ». - چه زمانی اتفاقات شگفت‌انگیز در زمین و در آسمان رخ می‌دهد؟ پیش از روز رستاخیز. (د) ۲ - گزینۀ صحیح را درباره روز رستاخیز مشخص کن: **گزینۀ (۱):** انسان می‌تواند که در آن روز در برابر پروردگارش حاضر نشود. (غلط: انسان قدرت حاضر نشدن در روز قیامت را ندارد) **گزینۀ (۲):** انسان در آن روز در برابر پروردگارش حاضر می‌شود و کارهایش مورد حساب قرار می‌گیرد. (صحیح) (ص ۸) (هر مورد ۰/۲۵)

پاسخ آزمون (۲) - درس اول (۲)

۱ الف) دودل (ص ۸)

نکته اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید (فعل بیش از سه حرفی) از فعل مضارع از صیغه مفرد مذکر غائب ساخته می‌شود. در این حالت، حرف «مُ» جایگزین حرف مضارعه می‌شود و دومین حرف از حروف اصلی فعل، کسره «ِ» می‌گیرد. مثال: اسم فاعل از فعل «يَتَرَدَّدُ» به صورت «مُتَرَدَّدٌ: دودل» می‌آید.

(ب) جز (ص ۱۳)

نکته به تفاوت معنایی کلمات مشابه دقت کنیم. مثال: «سواء: یکسان»، «سوی: جز».

(ج) همتایان (همتا) (ص ۲) (د) نخ (ص ۱۱) (هر مورد ۰/۲۵)

۲ الف) الذَّاءُ (ص ۴) - «المرَضُ» و «الذَّاءُ» با هم مترادف و به معنای «بیماری» هستند. (ب) أَبْصَرَ (ص ۴) - «شاهد» و «أَبْصَرَ» با هم مترادف و به معنای «دید، نگاه کرد» هستند. (ج) مَوْتَى (ص ۲) - «أَحْيَاءُ: زندگان» و «مَوْتَى: مردگان» با هم متضاد هستند. (هر مورد ۰/۲۵)

۳ الف) الطَّيْنَةُ (ص ۱۳) (۰/۲۵) - «الفِصَّة» نقره»، «الذَّهَب: طلا» و «الَّتَحَاس: مس» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «الطَّيْنَةُ: تگه گِل» از نظر معنایی ارتباطی با سایر کلمات ندارد.

۴ الف) نَاقِدٌ (ص ۱۳)

نکته به تفاوت معنایی کلمات مشابه دقت کنیم. مثال: مفرد «نَقَاد: نقدکنندگان» به صورت «نَاقِدٌ» می‌آید و نه «نَقْد: نقد کردن، پول».

(ب) اللُّحُوم (ص ۱۱) (هر مورد ۰/۲۵)

۵ الف) گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی توانا است. (ص ۵) (۰/۵) - «قال» فعل ماضی از صیغه مفرد مذکر غائب به معنای «گفت» است. «أَعْلَمُ» فعل مضارع از صیغه متکلم وحده به معنای «می‌دانم» است.

نکته «أَنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد و معمولاً میان دو جمله می‌آید.

(ب) هیچ بدی، بدتر از دروغگویی نیست. (ص ۱۰) (۰/۵)

نکته «لای» نفی جنس بر سر اسم می‌آید و وجود چیزی را به صورت کامل نفی می‌کند. فراموش نکنیم که بعد از «لای» نفی جنس اسمی می‌آید که نه «ال» دارد و نه «توین» و حرکت آخر آن، فتحه است.

«لَا» در «لَا سَوْءَ» از نوع «لای» نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» می‌باشد.

نکته هرگاه پس از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِنْ» بیاید (أَفْعَلُ مِنْ ...)، معنای «برتر» دارد.

«أَسْوَأُ» اسم تفضیل مذکر بر وزن «أَفْعَلُ» به معنای «بدتر» است و بعد از آن حرف جرّ «مِنْ» آمده است.

(ج) پس به (برکت) رحمتی از طرف خدا با آنان نرم‌خو شدی و اگر تندخو و سنگدل بودی، بی‌گمان از اطرافت پراکنده می‌شدند. (ص ۳۷) (۵/۷۵) (د) گاهی کشاورزان نهال‌های جدیدی می‌کارند در حالی که آن‌ها می‌دانند که آن‌ها میوه نمی‌دهند مگر بعد از مرگشان. (ص ۴۰) (۵/۷۵)

نکته «قد» اگر همراه با فعل مضارع بیاید به معنای «گاهی» است و بعد از آن فعل مضارع را ترجمه می‌کنیم.

هـ سال‌ها از فوت مادرم می‌گذرد ولی من بوسیدن مادرم را فراموش نخواهم کرد. (ص ۳۹) (۵/۷۵)

نکته «لَنْ» همراه با فعل مضارع به صورت مستقبل منفی یعنی با پیشوند «نخواه» ترجمه می‌شود.

و هیچ چیزی بهتر از گذشت هنگام قدرت نیست. (ص ۹) (۵/۸۵)

نکته «لَا» قبل از اسم از نوع «لای» نفی جنس است و به صورت «هیچ... نیست» ترجمه می‌شود.

ز انسان کارهای سخت خود را در کندن تونل‌ها و شکافتن کانال‌ها آسان کرد. (ص ۲۱) (۵/۸۵)

نکته «أعمال» جمع غیرانسان است و صفت آن مفرد مؤنث «الصَّعْبَةُ» آمده است.

ح در جنگ حنین شیما به دست مسلمانان اسیر شد. (ص ۳۹) (۵/۸۵) (ط) آنان را می‌بینی که از تکه‌گلی آفریده شده‌اند. آیا به جز گوشت و استخوان و پی هستند؟ (ص ۳) (۵/۷۵)

نکته فعل ماضی اگر با ضمه «ئ» شروع شود آن فعل مجهول است و با پسوند «... شد» ترجمه می‌شود.

ی ای پروردگار! محمد را برایمان نگه دار تا او را در نوجوانی و برنایی ببینم. (ص ۳۸) (۵/۷۵)

نکته فعل‌هایی که در سه حرف اصلی آن‌ها یکی از سه حرف «و - ا - ی» وجود دارد در صرف فعل‌ها و صیغه‌های مختلف دارای تغییراتی هستند مانند «أَبَقَ» که فعل امر صیغه مفرد مذکر مخاطب است و از ریشه «بَقِی» گرفته شده است.

ک نهنگ برای خراج کردن روغن از کبدش برای ساخت مواد آرایشی شکار می‌شود. (ص ۳۰) (۵/۷۵)

نکته «يُصَادُّ» در این جمله فعل مضارع مجهول است و به صورت «شکار می‌شود» ترجمه می‌شود.

۶ الف) ۱ (ص ۲۰)

نکته فعل ناقصه «كان» همراه با فعل ماضی به صورت ماضی بعید (... بود) ترجمه می‌شود.

ب) ۲ (ص ۲۰)

نکته ضمائر متصل (هـ، هما، هم، ها ...) در صورتی که به فعل اضافه شوند نقش مفعول دارند و فعلی که مفعول دارد متعدی است.

«مُؤَاَصَلَة» مصدر باب «مُؤَاعَلَة» به معنی «ادامه دادن» است و رسیدن در زبان عربی «وصول» می‌باشد. (هر مورد ۲۵/۵)

۷ در حالی که / جمع می‌کردند. (ص ۲۷) (هر مورد ۲۵/۵)

نکته گاهی قید حالت به صورت جمله اسمیه همراه با «واو حالیه» و به دنبال آن یک ضمیر می‌آید؛ «واو حالیه» به صورت «در حالی که ...» ترجمه می‌شود.

ب) پست‌تر / می‌جود. (ص ۲۸) (هر مورد ۲۵/۵)

نکته اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَل» است و اگر بعدش حرف جرّ «مِنْ» بیاید به صورت صفت تفضیلی (تر) ترجمه می‌شود. (هر مورد ۲۵/۵)

۱۶ الف) العَجُوزُ (ص ۴۷) - «پیرمرد، پیرزن»، مرد یا زن بزرگسال است. ب) الجَوْرُ (ص ۴۷) - «گردو»، میوه‌ای است که پوست آن سفت و غیر قابل خوردن است و برای خوردنش شکسته می‌شود. ج) القَطْ (ص ۳۹) - «تندخو»، کسی است که مردم، همسینی با او و دوستی کردن با او را ناپسند می‌دارند. د) سَهْرٌ (ص ۴۴) - «بیدار ماند»، از خوابیدن خودداری کرد و نخوابید. (هر مورد ۲۵/۵) دو کلمه «فاصن: لبریز شد» و «القَصِيْرُ: کوتاه» زائد و اضافی هستند.

۱۷ ترجمه متن درک مطلب: بعضی از فرزندان، یک خواهر یا برادر شیرینی (از دوران شیرخوارگی) دارند که از یک مادر نیستند. این برادران و خواهران با هم در خردسالی بازی می‌کنند و آن‌ها مانند دوستان هستند و هنگامی که با مشکلی روبه‌رو می‌شوند، برای حل کردن آن همیاری می‌کنند. این کمک، موجب تحکیم روابط بین آن‌ها می‌شود.

الف) يَتَعَاوَنُونَ عَلَىٰ خَلِّهَا. - فرزندان هنگام روبه‌رو شدن با مشکلی چه کار می‌کنند؟ برای حل کردن آن همیاری می‌کنند. ب) فِي صِغَرٍ يَسْتَهْمُ. - چه زمانی فرزندان با هم بازی می‌کنند؟ در خردسالی. ج) تَعَزِيزُ الْعِلَاقَاتِ. - نتیجه کمک فرزندان چیست؟ تحکیم روابط. د) ۲ - گزینه صحیح را بر اساس متن مشخص کن:

گزینه ۱: بازی کودکان، نقشی در دوستی میان آن‌ها ندارد (غلط: بازی کودکان، نقشی مهم در دوستی میان آن‌ها دارد). گزینه ۲: فرزندان شیری از یک مادر نیستند. (صحیح) (ص ۳۸) (هر مورد ۲۵/۵)

پاسخ آزمون (۷) - نیم‌سال اول (۱)

۱ الف) به هم پیچیده شد (ص ۲) - «إِنطَوَى» فعل ماضی از صیغه مفرد مذکر غائب در باب انفعال است. ب) بهینه‌سازی (ص ۲۳) ج) دودمان (ص ۳) د) تار (ص ۱۱) (هر مورد ۲۵/۵)

۲ الف) داء (ص ۴) - «الصَّحَّة: سلامتی» و «داء: درد و بیماری» با هم متضاد هستند. ب) «الجدار» و «سوْر» هر دو به معنی «دیوار» با هم مترادف هستند. (ص ۳۰) ج) «جُوع» و «عَوْدَة» هر دو به معنی «بازگشتن» با هم مترادف هستند. (ص ۴۱) (هر مورد ۲۵/۵)

۳ ۱ «الجَوَز» (ص ۳۹ و ۴۱) - «الشَّيْخ: پیرمرد»، «العَجُوز: پیر»، «الیاغ: جوان کم‌سال» با هم ارتباط معنایی دارند ولی «الجوز: گردو» ارتباطی با بقیه ندارد.

۴ الف) الْأَطْعِمَة (ص ۳۶) (۵/۲۵)

نکته به تفاوت معنایی کلمات مشابه دقت کنیم. مثال: «الطَّعام: غذا»، «المَطْعَم: رستوران» جمع کلمه «الطَّعام: غذا» کلمه «الْأَطْعِمَة» است.

ب) اللَّال (ص ۲۳) (۵/۲۵)

۵ الف) مردم امتی یکپارچه بودند پس خداوند، پیامبران را بشارت‌دهنده فرستاد. (ص ۲۷) (۵/۵)

نکته «مُبَشِّرِينَ» در این جمله در نقش «حال» است و باید دقت کنیم به صورت صفت ترجمه نکنیم. میان حال و اسم قبلی آن باید به وسیله «به، را، از، در حالی که و ...» فاصله باشد.

ب) قطعاً خداوند دارای بخشش بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند. (ص ۶) (۵/۵)

نکته در این جمله «إِنَّ» و «لَكِنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل هستند. «إِنَّ» در ابتدای جمله می‌آید و عدم ترجمه آن در جمله صحیح است و «لَكِنَّ» وسط جمله می‌آید و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله قبل از خودش است.

۸ الف) باید کار کنند (ص ۳۴) (۰/۷۵)

نکته اگر «لی» جازم به همراه فعل مضارع مجزوم باشد به صورت «باید + مضارع التزامی فارسی» ترجمه می‌شود.

ب) عمل نکردند (عمل نکرده‌اند) (ص ۳۴) (۰/۷۵)

نکته اگر «لَمْ» با فعل مضارع مجزوم بیاید آن فعل معادل ماضی منفی فارسی یا ماضی نقلی منفی فارسی ترجمه می‌شود.

ج) کار نمی‌کنم (ص ۳۴) (۰/۷۵)

نکته «لا» همراه با فعل مضارع از نوع «نافیه» است و آن فعل به صورت مضارع منفی ترجمه می‌شود.

د) نباید خودداری کنیم (ص ۳۳) (۰/۷۵)

نکته «لا»ی نهی به همراه فعل مضارع مجزوم غائب و متکلم به صورت «ناباید + مضارع التزامی فارسی» ترجمه می‌شود.

ه) خودداری می‌کردند (ص ۳۳) (۰/۷۵)

نکته اگر «کان» همراه با فعل مضارع در جمله بیاید آن فعل به صورت ماضی استمراری فارسی ترجمه می‌شود.

و) خودداری نخواهی کرد (ص ۳۳) (۰/۷۵)

نکته چنانچه «لَنْ» که از ادات نصب است همراه با فعل مضارع بیاید آن فعل به صورت مستقل منفی (پیشوند نخواه) ترجمه می‌شود.

ز) گاهی به یاد می‌آورم (ص ۳۴) (۰/۷۵)

نکته «قد» اگر همراه فعل مضارع در جمله بیاید به صورت «گاهی» ترجمه می‌شود و تغییری در ترجمه فعل مضارع ایجاد نمی‌شود.

ح) به یاد بیاوری (ص ۳۴) (۰/۷۵)

نکته «إِنْ» از ادات شرط است و «تَذَكَّرْتُ» فعل شرط و به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

۹ الف) هُوَ جَالِسٌ: جمله حالیه / الأوفياء: صفت (ص ۲۷) (هر مورد ۰/۷۵)

نکته گاهی حال به صورت جمله اسمیه بعد از «واو حالیه» در جمله می‌آید. در این جمله بعد «واو» جمله «هو جالس» یک جمله حالیه است.

ب) «الأوفياء» در این جمله در نقش صفت است. گاهی دانش‌آموزان سؤال می‌کنند که «الأوفياء» دارای «ال» است ولی «أصدقاء» در این جمله «ال» ندارد. چطور صفت بگیریم؟ دقت کنید که صفت با موصوف خود در چهار مورد یکسان است: ۱- اعراب ۲- تعداد ۳- جنس ۴- معرفه و نکره - همان‌طور که می‌بینید صفت با موصوف در معرفه و نکره با هم مطابقت دارند نه در «ال» داشتن. در این جمله «الأوفياء» معرفه به «ال» و «أصدقاء» معرفه به «مضاف» است. توضیح اینکه اگر اسمی به یک ضمیر متصل شود آن اسم نیز معرفه محسوب می‌شود. پس هر دو (أصدقاء - الأوفياء) معرفه هستند.

ب) شدید: خبر فعل ناقصه - الظفولة: مجرور به حرف جرّ (ص ۳۹) (هر مورد ۰/۷۵) - «شدید» بعد از فعل ناقصه «کان» آمده است. در این جمله «النبی» اسم «کان» و «شدید» خبر «کان» است. «الظفولة» بعد از حرف جرّ «فی» قرار گرفته و در نقش «مجرور به حرف جرّ» می‌باشد. ج) جزأً: مبتدا - رُکَّابٌ: فاعل (ص ۲۹) (هر مورد ۰/۷۵) - «جزأً» اسم است و در ابتدای جمله نقش مبتدا دارد. «رُکَّابٌ» در این جمله نقش خبر ندارد و خبر در این جمله «شریط» است. دقت کنید که «شریط» در این جمله نکره است و جمله «يَسْتَعْمِلُهُ رُكَّابٌ...» از آنجا که بعد اسم نکره آمده نقش جمله وصفیه دارد و «رُکَّابٌ» فاعل این جمله است. د) «هذه»: مضاف‌الیه - «هذه» اسم اشاره و اسم قبلی آن دارای «ال» و «تنوین» نیست. پس «هذه» نقش «مضاف‌الیه» دارد - «الآخرين» فاعل - گاهی فاعل بلافاصله بعد از فعل نمی‌آید و با چند کلمه اختلاف بعد از فعل می‌آید. (هر مورد ۰/۷۵)

۱۰ اسم فاعل: الْمُحْسِن (ص ۳۵) (۰/۷۵)

نکته اگر اسمی با «أَ» آغاز شود و عین الفعل آن (دومین حرف اصلی) کسره «ی» باشد اسم فاعل است.

اسم مفعول: مَشْغُولُونَ (ص ۳۴) (۰/۷۵) / اسم مبالغه: أَتَمَّارَةٌ (ص ۱۵) (۰/۷۵)

اسم مبالغه بر وزن «فَعَال» و «فَعَالَةٌ» است. دقت شود که اسم مبالغه «فَعَال» را با جمع مکسر، بر وزن «فَعَال» که اسم فاعل است اشتباه نگیریم.

اسم مکان: مَنَازِل (ص ۳۵) (۰/۷۵)

اسم مکان بر وزن‌های «مَفْعَل»، «مَفْعِل» و «مَفْعَلَةٌ» می‌آید و «مَفْعِل» وزن جمع مکتسر اسم مکان است.

۱۱ الف) گزینه (۱) (ص ۹) (۰/۷۵)

نکته حرف «لا» در صورتی که قبل از اسم باشد از نوع «نهی جنس» است. اگر «لا» قبل از فعل مضارع مجزوم باشد «لا» از نوع «ناهی» و اگر حرف «لا» قبل از فعل مضارع بیاید و تغییری در ظاهر فعل ایجاد نکند «لا» از نوع «نافیه» است.

ب) حرف مشبّهة بالفعل: لَعَلَّ (ص ۸) (۰/۷۵) - «لَعَلَّ» از حروف مشبّهة بالفعل است که غالباً برای بیان امید و آرزو به کار می‌رود.

۱۲ الف) مُتَأَخِّرَتَيْن (ص ۲۶) - در جای خالی این جمله باید نقش حال بیاید و حال از نظر اعرابی منصوب است پس «مُتَأَخِّرَان» با توجه به اعراب مرفوع مناسب جمله نیست و با توجه به «التلمیذتان» که مثنی مؤنث است گزینه مناسب برای این جمله «مُتَأَخِّرَتَيْن» مثنی مؤنث است.

ب) لَنْ يَجْلِسُوا (ص ۲۶)

نکته اگر مبتدا اسم باشد و ضمیر نباشد، خبر فعل بعد از آن باید از صیغه‌های غائب باشد. «لَا يَجْلِسُوا» فعل مخاطب است و مناسب این جمله نیست. «لَمْ» همراه با فعل مضارع به صورت منفی یا ماضی نقلی منفی ترجمه می‌شود و «لَنْ» همراه فعل مضارع به صورت مستقبل منفی (نخواه...) ترجمه می‌شود. با توجه به قید «غَدًا» (فردا) از فعل ماضی نمی‌توان استفاده کرد.

ترجمه عبارت: تماشاچیان فردا در جای خود نخواهند نشست.

ج) تَكَاتَبَ (ص ۳۳)

نکته فعل در ابتدای جمله مفرد می‌آید البته در صورتی که فاعل آن بعدش آمده باشد. در این جمله «الأصدقاء» فاعل است و جمع مکتسر است، پس فعل ابتدای جمله باید مفرد باشد و گزینه «تَكَاتَبُوا» برای این جمله مناسب نیست. ضمناً با توجه به قید «أَمْس» (دیروز) باید فعل ماضی که زمان آن گذشته است بیاید و «يَتَكَاتَبُ» که مضارع است؛ مناسب این جمله نمی‌باشد.

د) لَكِنَّ (ص ۶)

نکته «لَكِنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل و به معنی «ولی، اما» و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جمله قبل از خودش است، جایگاه «لَكِنَّ»، در وسط جمله است.

ترجمه عبارت: معلمان به سالن امتحان آمدند ولی بیشتر دانش‌آموزان غائب بودند. (هر مورد ۰/۷۵)

۱۳ الف) التَّلّ: تپه (ص ۲۸) - ترجمه عبارت: تپه منطقه‌ای بلند بالای سطح زمین، کوچک‌تر از کوه است. ب) التَّقْنِيَّة: فناوری (ص ۲۳) - ترجمه عبارت: فناوری مجموعه‌ای از اختراعات علمی و ابتکارات جدید است. ج) القِصَان: کارخانه‌ها - ترجمه عبارت: آلفرد به ایجاد ده‌ها کارخانه در بیست دولت پرداخت. د) أَطْعَمَةً: غذاهایی - ترجمه عبارت: غذاهایی از ماده قرمز رنگی از جسم بعضی حیوانات درست می‌شود. (هر مورد ۰/۷۵) دو کلمه «القناة» و «المختبر» زائد و اضافی هستند.